

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۰ اکتوبر ۲۰۲۳

تراژیدی انسانی در منطقه کوهستانی قره‌باغ!

ارتش آذربایجان در یک لشکرکشی ۲۴ ساعته که در ۱۹ سپتامبر آغاز شد، نیروهای استقلال‌طلب ارمنی را شکست داد و آن‌ها را مجبور به تسلیم کرد. سپس دولت استقلال طلبان موافقت کرد که تا پایان سال جاری میلادی منحل شود ولی بلافاصله کنترل منطقه به آذربایجان واگذار شد.

در حالی که باکو متعهد شده است که به حقوق ارامنه ساکن در قره‌باغ احترام بگذارد، اکثر آن‌ها از ترس اقدامات تلافی‌جویانه و پاکسازی ملی و یا از دست دادن آزادی استفاده از زبان و سایر آداب و رسوم خود، با عجله از منطقه گریختند.

دولت ارمنستان روز دوشنبه اعلام کرد که صد هزار و ۵۱۴ نفر از ۱۲۰ نفر ساکن این منطقه به ارمنستان رفته‌اند.

آناهیت آوانسیان، وزیر بهداشت ارمنستان گفت که برخی از این افراد در طول سفر طاقت‌فرسا از طریق تک جاده کوهستانی که ۴۰ ساعت طول کشید، جان باختند. آذربایجان متهم شده که طی ۹ ماه گذشته مانع از رسیدن غذا و دارو به این منطقه شده است. اما آذربایجان با رد این اتهام مدعی است که ارمنستان از مسیرهای تحت کنترل درآمده برای انتقال سلاح به استقلال‌طلبان قره‌باغ بهره می‌برد است و گرنه تامین غذا و دارو از طریق شهر آغدام آذربایجان همواره ممکن بوده است.

مقامات دولت آذربایجان به سرعت برای نمایش کنترل مجدد خود بر منطقه، چند تن از اعضای سابق دولت استقلال‌طلب ارمنی را دستگیر و ساکنان آذربایجانی قره‌باغ را تشویق به بازگشت به سرزمین اجدادی خود کردند.

ایست‌های بازرسی پلیس آذربایجان در منطقه مستقر شده و تابلوهای «به آذربایجان خوش آمدید» در نزدیکی ورودی مرکز قره‌باغ نصب شده است.

اما خیابان‌های مرکز منطقه که آذربایجان آن را خانکندی و ارمنی‌ها آن را استپانکرت می‌نامند، همچنان خالی از سکنه و متروکه است و انبوهی از زباله و نخاله در خیابان‌های آن تلنبار شده است، البته گهگاهی نیروهای حافظ صلح روسیه که در شهر مستقر بوده‌اند در بالکن ساختمان‌های محل استقرارشان در حال سیگار کشیدن و هواخوری دیده می‌شوند. گروهی دیگر از صلح‌پایان روسی هم همچنان در پایگاه‌های خارج از شهر مرکزی منطقه به سر می‌برند.

مقامات ارمنستان نیروهای حافظ صلح روسی را که پس از جنگ ۲۰۲۰ در قره‌باغ کوهستانی مستقر شدند، به بی‌عملی در مقابل حمله نیروهای آذربایجان متهم کرده‌اند. شارل میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا هم در مصاحبه با یورونیوز گفت: «شکست روسیه در تضمین صلح و امنیت در منطقه قره‌باغ کوهستانی «خیانت» به مردم ارمنستان است.»



این اتهام از سوی مسکو رد شده، زیرا مطابق استدلال روسیه، سربازان این کشور دارای اختیار مداخله نظامی در منطقه نبوده‌اند. انتقادهای از عدم حمایت روسیه از متحد دیرینه خود در مواجهه با حمله آذربایجان موجب تیرگی روابط ایروان و مسکو شده، چنان‌که روسیه دولت ارمنستان را به غرب‌گرایی متهم کرده است.

پس از کشمکش‌ها و نبردهای طولانی مدت بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه مورد مناقشه معروف به قره‌باغ کوهستانی، جایی که جمهوری آذربایجان این هفته حاکمیت خود را با استفاده از زور اسلحه بر آن تحمیل کرد. برای ارمنیانی که در سایه طولانی نسل‌کشی توسط عثمانی‌ها در سال ۱۹۱۵ میلادی زندگی می‌کنند وضعیت اسفبار حدود ۱۲۰۰۰۰ ارمنی در قره‌باغ بسیار دردناک بوده است. ارمنیان قره‌باغ به دلیل فقدان قدرت نظامی برای رقابت با جمهوری آذربایجان و با حمایت‌های بی‌دریغ نظامی و سیاسی دولت ترکیه، و با چراغ سبز روسیه و بی‌عملی دولت ارمنستان و در سکوت نهادهای بین‌المللی، استقلال‌طلبان ارمنی مجبور شدند ظرف مدت دو روز تسلیم شوند.

خبرگزاری‌های بین‌المللی روز سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲-۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳، به نقل از مسئولان منطقه استقلال‌طلب قره‌باغ کوهستانی از دور تازه حملات ارتش جمهوری آذربایجان خبر دادند.

به گزارش فرانس پرس، در این حملات که آذربایجان از آن به‌عنوان عملیات «ضد تروریستی» نام برده، استپاناکرت، مرکز منطقه استقلال‌طلب قره‌باغ کوهستانی و دیگر شهرهای آن هدف گلوله‌باران ارتش آذربایجان قرار گرفتند.

دفتر نمایندگی قره‌باغ در ارمنستان، با انتشار بیانیه‌ای در فیس‌بوک نوشت: «آذربایجان عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه جمهوری آرتساخ (نامی که ارمنه به قره‌باغ کوهستانی داده‌اند) آغاز کرده و قصد نفوذ به عمق این منطقه را دارد.»

ارمنستان روز سه‌شنبه بار دیگر تاکید کرد که هیچ نیروی مسلحی در قره‌باغ کوهستانی مستقر نکرده است، ایروان با تکرار این موضع، تاکید دارد که تنها استقلال‌طلبان ارمنی‌تبار مستقر در قره‌باغ کوهستانی مسئولیت مقابله با حملات آذربایجان را بر عهده دارند.

وزارت دفاع ارمنستان در همین راستا با انتشار بیانیه‌ای در تلگرام تاکید کرد که همان‌طور که پیش‌تر نیز بارها اعلام شده «ارمنستان در قره‌باغ کوهستانی ارتش و نیروی مسلح ندارد.»

وزارت امور خارجه ارمنستان نیز در بیانیه‌ای از «تجاوز گسترده تازه» جمهوری آذربایجان به قره‌باغ کوهستانی خبر داده و آن را تداوم سیاست «پاک‌سازی ملی» باکو در این منطقه توصیف کرده است.

طبق گزارش‌های محلی در نبردی که روز سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲-۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳، آغاز شد دست کم ۲۰۰ ارمنی قره‌باغ کشته شدند، زیرا توپخانه جمهوری آذربایجان نیروهای نظامی کوچک قره‌باغ را مورد حمله قرار داد و کماندوهای باکو ارتفاعات استراتژیک را تصرف کردند. رسانه‌های اجتماعی ارمنستان داستان‌های دردناکی را در مورد خانواده‌هایی که در جست‌وجوی کودکان گمشده بودند و هزاران نفر در فرودگاه استپاناکرت پایتخت واقعی منطقه جمع شده بودند منتشر کردند درباره افرادی که امیدوار بودند فرار کنند.

«الهام علی‌اف»، رئیس‌جمهور آذربایجان چهارشنبه شب در جریان یک سخنرانی تلویزیونی به‌نظر می‌رسید قصد دارد جلوی فرار ساکنان ارمنی قره‌باغ را بگیرد. ارمنیانی که می‌ترسند باکو قصد «پاک‌سازی ملی» آن منطقه را داشته باشد. او در سخنرانی‌اش گفت با ساکنان ارمنی به‌عنوان «شهروند» رفتار خواهد شد و باکو صرفاً «جدایی‌طلبان جنایت‌کار» را تحت تعقیب قرار خواهد داد.



جنگ برق‌آسای قره‌باغ تا حدی ناشی از خلاء قدرت منطقه‌ای ناشی از متمرکز شدن روسیه بر تحولات اوکراین بوده است. مسکو یک نیروی ۲۰۰۰ نفری حافظ صلح در قره‌باغ داشت که قرار بود از درگیری جلوگیری کند. روسیه اعلام کرد که تعدادی از سربازان اش در هفته جاری بر اثر تیراندازی و حملات نیروهای آذربایجانی کشته شدند. ارمنستان که به‌مدت یک قرن به حمایت روسیه متکی بوده اکنون نسبت به مسکو تردید پیدا کرده و در سال جاری چرخش به سمت غرب به امید یافتن متحدان قابل «اعتماد» را آغاز کرد. دولت بایدن در تلاش برای میانجی‌گری بین باکو و ایروان کمک دیپلماتیک ارائه کرد، اما این کمک بی نتیجه بود. پنتاگون در ماه جاری تقریباً ۱۰۰ نیروهای نظامی آمریکایی را برای آموزش نظامی به ارمنستان اعزام کرد که در ظاهر برای عملیات حفاظت از صلح به آنجا رفته بودند، اما طبق برنامه زمانی که هم‌زمان با حمله صورت گرفته باکو علیه قره‌باغ بود آن‌جا را ترک کردند. احتمالاً چرخش ارمنستان به‌سوی آمریکا، باعث شد روس‌ها از ارمنستان دور شوند بدون آن که کمک قابل اعتمادی از سوی غرب به ارمنستان ارائه شود. ارمنیان به‌ویژه در قره‌باغ منزوی و آسیب‌پذیر و در انتظار یک نیروی رهایی‌بخش خارجی بودند که هرگز از راه نرسید. این خلاصه‌ای بی‌رحمانه از تاریخ معاصر ارمنیان و مصیبتی بود که بر آنان رفته است.

استقلال‌طلبان ارمنی در سال ۱۹۹۴ میلادی موضع برتر را به‌دست آورده بودند، اما جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۰ میلادی در جنگ برای اعمال کنترل بر قره‌باغ پیروز شد و موضع استقلال‌طلبان را به‌شدت تضعیف کرد. ارمنیان در منطقه محصور به جای توافق مصالحه با باکو که طبق قوانین بین‌المللی اختیارات خود را حفظ کرده بود به‌نوعی استقلال امیدوار بودند که هرگز حاصل نشد. باکو به‌دلیل ثروت نفت سرشار خود در سالیان اخیر سال به سال قوی‌تر می‌شد و بالاخره زمان موعود از راه رسید. باکو در ماه دسامبر زمانی که یک سازمان آذربایجانی تحت حمایت دولت آن کشور مسیر زمینی ارمنستان معروف به کریدور لاجین را بست حلقه محاصره کردن تدریجی قره‌باغ را تنگ‌تر کرد. مردم قره‌باغ به‌تدریج دچار گرسنگی غذا و سوخت شد و گفته می‌شد که در ماه جاری ذخایر اولیه آرد و سایر ضروریات آن به اتمام رسیده است. آن زمان بود که علی‌اف حمله نظامی را آغاز کرد.

بر اساس آمار تازه از شمار آوارگان ارمنی که خبرگزاری‌های بین‌المللی منتشر کرده‌اند، بیش از هشتاد هزار سکنه قریباً کوهستانی، به‌عبارتی دو سوم جمعیت ۱۲۰ هزار نفری این منطقه، خانه و کاشانه خود را برای گریز به سوی ارمنستان ترک کرده‌اند.

گزارش خبرنگاران حاضر در محل حاکی است که ساکنان به‌تازگی و هراسان قریباً کوهستانی پیش از ترک خانه و کاشانه و مهاجرت به ارمنستان ارمنستان، بسیاری از اموال شخصی از جمله یونیفرم‌ها، عکس‌های خانوادگی و حتی کتاب‌هایشان را می‌سوزانند تا نیروهای آذربایجانی از دستیابی به آن‌ها و متعاقب آن، احتمالاً شناسایی هویت این افراد محروم شوند. در یک هفته‌ای که از آغاز کوچ پرمشقت ارمنه قریباً کوهستانی سپری شده، بیش از ۸۰ درصد از ارمنه این منطقه بود. گِغام استپانیان، یک مدافع حقوق بشر در این منطقه گفت آخرین اتوبوسی که از قریباً کوهستانی به ارمنستان رسید، شامل ۱۵ تن از کسانی بود که بیماری‌های جدی و مشکلات حرکتی داشتند.

کشورهای مختلف از جمله ترکیه، روسیه، ایران، اتحادیه اروپا و آمریکا نقش مهمی در تحولات کنونی قفقاز و به‌خصوص قریباً کوهستانی دارند که توجه به آن‌ها می‌تواند وضعیت دوره گذار در این منطقه را روشن‌تر کند. به‌گفته مقامات دولت آذربایجان، در پی انفجار یک کامیون در منطقه مین‌گذاری شده قریباً کوهستانی که منجر به کشته‌شدن چهار افسر وزارت کشور جمهوری آذربایجان شد، نیروهای آذربایجان در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ طی مدت ۲۴ ساعت با استفاده از توپخانه و پهپاد، حمله گسترده‌ای را به قریباً کوهستانی آغاز و آن را یک عملیات ضدتروریستی با هدف خنثی کردن تحرکات ارمنستان با تاکید بر اهداف نظامی و بازگرداندن ساختار قانون اساسی در قریباً کوهستانی توصیف کرده‌اند. اقدامی که شادی شهروندان آذربایجان و فاجعه انسانی را برای ارمنه ساکن قریباً کوهستانی همراه داشته است.

ترکیه از جمله کشورهای منطقه‌ای موفق در کسب امتیاز و گسترش روابط استراتژیک خود با آذربایجان است. پس از عملیات نظامی آذربایجان در منطقه قریباً کوهستانی، رئیس‌جمهور آذربایجان و ترکیه با هم دیدار و الهام‌علی‌اف به این نکته اشاره داشته است که آذربایجان و ترکیه با حمایت یکدیگر مسائل منطقه را در مسیر درست هدایت و صلح و ثبات را در منطقه ایجاد و روابط خود را به بالاترین سطح خواهند رساند.

حجم تجارت آذربایجان با ترکیه بیش از ۶ میلیارد دلار است، در سال جاری حجم تجارت آن‌ها ۴۰ درصد افزایش یافته است، به‌طوری که ترکیه و آذربایجان هدف همکاری تجاری خود را ۱۵ میلیارد دلار بیان کرده و رسیدن به آن را در برنامه کوتاه‌مدت خود قرار داده‌اند.

البته نباید این نکته را نادیده گرفت که ترکیه ناوگانی از پهپادهای جنگی جمهوری آذربایجان را تامین و به این کشور کمک کرد تا در یک جنگ ۶ هفته‌ای در سال ۲۰۲۰، بخشی از منطقه مورد مناقشه قریباً کوهستانی را پس بگیرد.

در ادامه همکاری‌های آنکارا و باکو می‌توان به خط‌گاز طبیعی ایغدیر-نخجوان اشاره کرد که نقش به‌سزایی در تعمیق روابط و همچنین کمک شایانی در جهت تامین انرژی اروپا خواهد داشت.

اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه، همچنین افتتاح مسیر زمینی کریدور زنگرور در جنوب قفقاز را «مسئله راهبردی» برای ترکیه خواند و تاکید کرد که این کریدور برای روابط آنکارا و باکو «بسیار مهم» است.

ارمنستان از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر شراکت امنیتی با روسیه متکی بوده است، اما روابط آن‌ها پس از حمله ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ به‌شدت تیره شده است.

نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، روسیه را مسئول ناتوانی در تامین امنیت ارمنه دانست. ارمنستان بارها از نیروهای حافظ صلح روسیه به‌دلیل ناتوانی در بازنگهداشتن کریدور لاجین و نادیده گرفتن درگیری‌های کوچک پراکنده در طول مرز انتقاد کرده است.

اگرچه ارمنستان متحد دیرینه مسکو از جمله میزبانی از یک پایگاه نظامی روسیه است، اما روابط در سال گذشته به طرز چشمگیری بدتر شده است. همزمان با مناقشه جاده‌ای، ارمنستان، امسال با امتناع از اجازه رزمایش در خاک خود توسط بلوک سازمان امنیت جمعی به رهبری مسکو و با برگزاری رزمایش‌های مشترک در ماه جاری با نیروهای آمریکایی، این اقدام پاشینیان روسیه را خشمگین کرده است.

علاوه بر این، مسکو از ارائه کمک‌های بشردوستانه ارمنستان به اوکراین ناراحت است. اگرچه دخالت روسیه در پایان دادن به جنگ ۲۰۲۰ دستاورد مهمی برای روسیه قلمداد و نفوذ این کشور را در منطقه افزایش داد اما با ایجاد شکاف و اختلافات میان ایروان و مسکو اعتبار روسیه در منطقه قره‌باغ به‌طور جدی کاهش یافته است که اگر تدابیر قوی‌تری برای نفوذ در قفقاز جنوبی اتخاذ نکند، وضعیتی را که در گذشته داشته است، ممکن است از دست بدهد.

اعضای پارلمان اروپا پس از عملیات نظامی آذربایجان در قره‌باغ انفعال اتحادیه اروپا در واکنش به بحران قره‌باغ را محکوم کردند و از این اتحادیه خواستند که تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری آذربایجان اعمال کند. تلاش‌های اتحادیه اروپا برای کاهش تنش ده‌ها ساله بین ارمنستان و آذربایجان نیز ناموفق بوده است. پس از اقدامات نظامی اخیر آذربایجان، اتحادیه اروپا خواستار تحریم‌های اقتصادی و تجاری و همچنین تعلیق همه روابط دوجانبه با باکو شده است.

به دلیل عدم حمایت روسیه، کشورهای اتحادیه اروپا در سال گذشته ۱۵/۶ میلیارد یورو گاز طبیعی از آذربایجان وارد کردند که چهار برابر بیشتر از سال ۲۰۲۱ است. بلغارستان، رومانی، مجارستان و اسلواکی نیز متعهد شده‌اند واردات گاز از این کشور نفت‌خیز را افزایش دهند.

نمایندگان پارلمان اروپا همچنین ابراز نگرانی کردند که گازی که از آذربایجان به اروپا می‌رسد «گاز روسیه است» و خواستار تحقیقات فوری در مورد منشأ گاز وارد شده از طریق کریدور جنوبی شدند.

نمایندگان پارلمان اروپا، همچنین ادعا کردند که روسیه و آذربایجان علاقه‌مند به استقرار یک حکومت دست‌نشانده در ارمنستان هستند زیرا کرملین به دنبال تقویت نفوذ خود در قفقاز جنوبی است، هدف روسیه آشکارا برکناری پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان است.

موضع جمهوری اسلامی ایران در مناقشه قره‌باغ، همواره مبهم بوده است. جمهوری اسلامی ایران بر اساس سیاست‌های دو پهلو و ناروشن، استان سیونیک را بخشی از تمامیت ارضی ارمنستان می‌داند، در حالی که قره‌باغ در تمامیت ارضی آذربایجان دیده می‌شود.

دولت بایدن، تلاش می‌کند همزمان با درگیری روسیه در جنگ اوکراین، در جبهه‌های مختلف نیز مسکو را هدف قرار دهد و یکی از این اهداف منطقه قفقاز نزدیک مرزهای روسیه است.

آمریکا تلاش دارد به دلیل تنش‌های جدی میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان، خود را به عنوان یک میانجی‌گر قوی حلال مناقشات مهم جلوه دهد اما در پشت‌پرده، کاخ سفید تمایلی نمتنها به حل مشکلات و مناقشات قفقاز ندارد، بلکه تشدید تنش‌ها در این منطقه را دنبال می‌کند.

هزار سرباز روسی، به عنوان حافظ صلح در قره‌باغ مستقر هستند اما با این وجود، ارتش جمهوری آذربایجان با حمله هوایی و زمینی ده‌ها هزار ارمنی ساکن این منطقه آواره کوه و دشت کرد.

جمهوری آذربایجان هفته گذشته عملیات نظامی برق‌آسایی را در منطقه استقلال‌طلب قره‌باغ کوهستانی (ناگورنو-قره‌باغ) آغاز کرد.

جامعه بین‌الملل این منطقه را بخشی از خاک جمهوری آذربایجان می‌داند اما در سه دهه گذشته بخش‌های بزرگی از آن تحت کنترل ارمنی‌های ساکن قره‌باغ بوده است.

حکومت محلی این منطقه که طی سه دهه گذشته در دست ارمنی‌ها بود، هفته گذشته به تصرف جمهوری آذربایجان درآمد.

به گفته مقامات، تاکنون بیش از نیمی از اکثریت جمعیت آن فرار کرده‌اند.

شهروندان با اشاره به توافقی که با جمهوری آذربایجان برای تضمین امنیت سفر داوطلبانه و بدون مانع برای ساکنان این منطقه صورت گرفته، گفت که تصمیم برای انحلال دولت «بر اساس اولویت تامین امنیت فیزیکی و منافع حیاتی مردم» بوده است.

قره‌باغ کوهستانی که در منطقه قفقاز جنوبی واقع شده، در قلب یکی از طولانی‌ترین مناقشه‌های ارضی جهان قرار دارد.

ارمنستان و جمهوری آذربایجان در دهه ۱۹۲۰ میلادی بخشی از خاک اتحاد جماهیر شوروی شدند. اکثریت جمعیت منطقه قره‌باغ کوهستانی ارمنی بودند اما شوروی کنترل این منطقه را به آذربایجان سپرد.

زمانی که فروپاشی شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد، پارلمان منطقه‌ای قره‌باغ کوهستانی رای به پیوستن این منطقه به ارمنستان داد.

جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال‌های آخر دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی درگیر جنگی خونین بر سر این منطقه شدند و از آن زمان تا الان درگیری‌های مرگبار همچنان ادامه داشته است.

آخرین جنگ بزرگ دو کشور سال ۲۰۲۰ رخ داد که در آن هزاران نفر در طی شش هفته درگیری‌های شدید کشته شدند.

در نهایت توافق بر سر آتش‌بس و استقرار نیروهای صلح‌بان روسیه به جنگ پایان داد اما در چند ماه گذشته و پیش از آغاز تازه‌ترین عملیات نظامی جمهوری آذربایجان، تنش‌ها دوباره بالا گرفت.

نگرانی از دور تازه خشونت‌ها زمانی آغاز شد که جمهوری آذربایجان در ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ مسیر اصلی و حیاتی ارتباطی منطقه قره‌باغ را عملاً مسدود کرد.

گذرگاه لاچین تنها مسیری است که کشور ارمنستان را به جمعیت ۱۲۰ هزار نفری ارمنه ساکن منطقه قره‌باغ کوهستانی متصل می‌کند.

این مسیر شریان اصلی تامین کالا و خوراکی برای قره‌باغ کوهستانی است و ساکنان این منطقه از کمبود شدید مواد غذایی اولیه و دارو در ماه‌های اخیر خبر داده‌اند.

جمهوری آذربایجان ارمنستان را به استفاده از این جاده برای انتقال تجهیزات نظامی متهم می‌کرد، اتهامی که ارمنستان همواره رد می‌کرد.

از آن سو ناظران از افزایش حضور نظامی ارتش آذربایجان در جریان محاصره و قطع ارتباط منطقه گزارش می‌دادند، اما باکو این موضوع را تکذیب می‌کرد.

اواسط سپتامبر، زمانی که چند کامیون امدادی متعلق به صلیب سرخ جهانی اجازه پیدا کردند از گذرگاه لاچین، و همین طور جاده آغدام در جمهوری آذربایجان وارد قره‌باغ کوهستانی شوند، این امید ایجاد شد که ممکن است تنش‌ها در منطقه کاهش یابد.

اما باز نگه داشتن این خطوط ارتباطی، به ویژه گذرگاه لاجین، به شدت متکی بر حضور نیروهای صلح‌بان روسیه بود که سال ۲۰۲۰ در منطقه مستقر شده بودند.

این در حالی است که تمرکز و توجه مسکو و منابع نظامی روسیه بعد از حمله به اوکراین کاملاً به آن سو معطوف شد.

نخست وزیر ارمنستان اخیراً گفت که روسیه «به‌شکلی ناگهانی منطقه را ترک کرد.»

جمهوری آذربایجان تلاش کرد که جنبش استقلال‌طلبی را که ارمنستان از آن حمایت می‌کرد، سرکوب کند. همین مسئله باعث شروع درگیری‌های قومی شد که بعد از اعلام استقلال ارمنستان و آذربایجان از مسکو، به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد. حاصل این جنگ سال‌ها مصیبت و خونریزی بود.

در پی خروج ده‌ها هزار ارمنی‌تبار ساکن قره‌باغ کوهستانی از زمان آتش‌بس دوباره در این منطقه، دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین، پنج‌شنبه ۶ مهر ۱۴۰۲، گفت: «ما از نزدیک وضعیت منطقه قره‌باغ کوهستانی را زیر نظر داریم.»

پسکوف که در یک کنفرانس مطبوعاتی در روز پنج‌شنبه سخن می‌گفت، تأکید کرد که کشورش دلیلی برای فرار ارمنی‌تبارها از آن منطقه نمی‌بیند.

او همچنین در پاسخ به سئوالی درباره امضای فرمان ساموئل شهرامانیان، رئیس جمهوری «آرتساخ» در قره‌باغ برای پایان دادن به موجودیت این منطقه خودگردان از اول ژانویه ۲۰۲۴ افزود که وی به این اطلاعیه توجه داشته است.

پسکوف با تأکید بر این‌که نیروهای حافظ صلح (روسی) به کمک کردن به مردم ادامه می‌دهند، خاطرنشان کرد که مسکو در زمینه مسائل انسانی با آذربایجان در تماس است.

او همچنین افزود: «نیروهای حافظ صلح ما همچنان به کمک به مردم ادامه می‌دهند، زیرا بسیاری از آن‌ها تمایل خود را برای نقل مکان به خاک ارمنستان ابراز می‌کنند و نیاز به حمایت دارند.»

این اظهارات پس از آن بیان شد که نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، پنج‌شنبه، آذربایجان را به انجام کارزار «پاک‌سازی ملی» در بحبوحه تشدید تنش در منطقه که مورد مناقشه دو کشور است، متهم کرد.

پاشینیان در این سخنان، گفت که معتقد است این سیاست پاک‌سازی، آن‌طور که وی توصیف کرده، «در روزهای آینده حتی یک ارمنی را در منطقه باقی نخواهد گذاشت.»

نخست‌وزیر ارمنستان، ناکامی بازیگران بین‌المللی در اتخاذ «اقدامات مشخص» در مورد «این پاک‌سازی مداوم» را محکوم کرد.

اظهارات پاشینیان در حالی مطرح می‌شود که آذربایجان طی فراخوانی از ارمنه آن منطقه که سال‌ها محل مناقشه دو کشور بوده است، خواسته است از این منطقه خارج نشوند.

به گزارش «رویترز»، وزارت خارجه جمهوری آذربایجان در بیانیه پنج‌شنبه ششم مهر خود، تأکید کرده که باکو هیچ ارتباطی با تصمیم ارمنی‌تبارهای قره‌باغ برای مهاجرت به ارمنستان یا هر کشور دیگری ندارد.

وزارت خارجه آذربایجان، همچنین اعلام کرد که آماده است شرایطی را برای ارمنی‌ها ایجاد کند تا «زندگی بهتری نسبت به زمانی که در گروگان حکومت نظامی ایجاد شده توسط ارمنستان بودند، داشته باشند.»

آذربایجان بر قصد خود برای «ادغام مجدد جمعیت ارمنی‌ها به‌عنوان شهروندان برابر» تأکید و عنوان کرد که قانون اساسی این کشور و تعهدات بین‌المللی آن «زمینه‌ای محکم» را برای دستیابی به این هدف فراهم می‌کند.

قدرت‌های منطقه‌ای در تمام این سال‌ها نقش پررنگی در این مناقشه داشته‌اند. ترکیه که عضو ناتو است، اولین کشوری بود که استقلال آذربایجان را در سال ۱۹۹۱ میلادی به رسمیت شناخت و از آن زمان حامی سرسخت این کشور بوده است.

پهپادهای بیرق‌دار ترکیه نقشی حیاتی در جنگ سال ۲۰۲۰ داشت و به پیشروی‌های نیروهای جمهوری آذربایجان کمک قابل توجهی کرد.

در سوی دیگر ارمنستان به‌صورت سنتی روابط خوبی با روسیه داشته است. روسیه یک پایگاه نظامی در ارمنستان دارد و هر دو کشور عضو ائتلاف نظامی «سازمان پیمان امنیت جمعی» هستند که متشکل از شش کشور از جمهوری‌های سابق شوروی است.

اما روابط ارمنستان و روسیه از زمان به قدرت رسیدن نیکول پاشینیان نخست وزیر ارمنستان، بعد از تظاهرات گسترده ضد دولتی در سال ۲۰۱۸، به سردی گرایید.

پاشینیان چندی پیش گفت که اتکا به روسیه به عنوان تنها حامی امنیتی ارمنستان یک «خطای استراتژیک» بوده است. ارمنستان در ماه جاری میلادی اعلام کرد که میزبان یک مانور نظامی مشترک با نیروهای آمریکایی است؛ اقدامی که مسکو آن را «گامی غیردوستانه» خواند و از آن انتقاد کرد.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه این موضوع را رد کرده است که ارمنستان به ائتلاف خود با روسیه پایان داده است، اما هم‌زمان اعلام کرد که ایروان حاکمیت جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ کوهستانی را «به‌صورت کلی به رسمیت شناخته است».

پوتین در جریان یک مجمع اقتصادی در ولادی‌وستوک گفت: «اگر ارمنستان خودش قره‌باغ را به عنوان بخشی از آذربایجان به رسمیت شناخته، دیگر چه کاری از ما بر می‌آید؟»



ارمنستان و کرملین می‌گویند که حضور نیروهای ترکیه‌ای در منطقه مورد مناقشه در قرارداد صلح پیش‌بینی نشده است. آنکارا اما تلاش کرده است که نقش خود را افزایش دهد و مولود چاووش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه، می‌گوید که این کشور «نقشی مشابه روسیه» در مرکز نظارت بر صلح خواهد داشت.

خبرگزاری دولتی آناتولی روز ۱۹ نوامبر تحلیلی منتشر کرد که می‌گفت حضور سربازان ترکیه در جمهوری آذربایجان باعث «رنجش روسیه، ایران و فرانسه» خواهد شد.

طرح ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ساخت راه‌آهن در نخجوان نه تنها آنکارا را به دریا خزر متصل خواهد کرد، بلکه جایگاه ترکیه را در فضای پساشوروی مستحکم‌تر می‌کند و بر پیچیدگی روابطش با مسکو می‌افزاید.

اسماعیل کاپان، ستون‌نویس روزنامه ترکیه که حامی دولت است، روز ۱۲ نوامبر نوشت «از لحاظ نظامی، حضور فیزیکی در منطقه قره‌باغ بسیار مهم است... گشایش مسیر ارتباطی بین نخجوان و جمهوری آذربایجان به خودی خود

رخدادی تاریخی محسوب می‌شود. در نتیجه ترکیه فرصت پیدا می‌کند که مستقیماً و از کوتاهترین راه به آسیای مرکزی دسترسی پیدا کند.»

طبق ماده ۹ توافق صلح، ارمنستان قرار است مسیری ارتباطی بین آذربایجان و جمهوری نخجوان مهیا کند و تامین امنیت آن نیز به عهده روسیه خواهد بود. تا پیش از این توافق، جمهوری آذربایجان باید برای دور زدن ارمنستان و دسترسی به نخجوان از خاک ایران استفاده می‌کرد.

این تعبیر نه تنها از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در باکو می‌کاهد، بلکه انگیزه رجب طیب اردوغان برای ایجاد ارتباط ریلی با نخجوان را نیز بیش‌تر کرده است. این تحولات مشخصاً با دیپلماسی «پان‌ترکی» اردوغان هم‌راستا است.

ارتش پیروزمند جمهوری آذربایجان در جنگ قبلی قره‌باغ، توسط ارتش ترکیه آموزش دیده است و حمایت تجهیزاتی می‌شود. بعضاً گزارش شده است که نظامیان ترکیه نقشی کلیدی در هدایت حمله‌های پهبادی که عاملی تعیین‌کننده در این جنگ بودند ایفا کرده‌اند، هر چند که آنکارا این ادعاها را تکذیب می‌کند.

رجب‌طیب اردوغان نیز حمایت دیپلماتیک بی‌شائبه‌ای از جمهوری آذربایجان کرد. این پیروزی نشان می‌دهد که ترکیه نفوذ قابل توجهی در این منطقه پیدا کرده است، مخصوصاً در جمهوری آذربایجان.

در عین حال، نتیجه این جنگ، و مخصوصاً چگونگی حصول توافق صلح، پیروزی برای روسیه محسوب می‌شود.

اما یک سؤال مهم این است که چرا روسیه ارمنستان را به حال خود رها کرد؟ در دو دهه گذشته، برای کرملین مشخص بوده است که درآمدهای نفتی جمهوری آذربایجان و بودجه نظامی این کشور که سه برابر ارمنستان است، توازن قدرت را به شکل برگشت‌ناپذیری به نفع باکو تغییر داده است. مسکو تلاش کرد تا با فشار به ارمنستان این کشور را به پذیرش راه‌حل دیپلماتیکی که با وساطت روسیه، آمریکا و فرانسه فراهم شده بود متقاعد کند، اما ایروان حاضر به دادن هیچ امتیازی نبود.

وقتی نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر این کشور، در سال ۲۰۱۸ به قدرت رسید، موضع علنی ایروان در قبال منطقه قره‌باغ از پیش نیز سخت‌تر شد.

برای همین است که در سالیان گذشته روسیه خیلی واضح به دولت ارمنستان گفته است که پیمان نظامی ایروان و مسکو صرفاً شامل مرزهای رسمی این کشور می‌شود و ربطی به قره‌باغ ندارد. وقتی جمهوری آذربایجان دست به حمله زد، ارمنستان تنها بود.

وقتی در جنگ قبلی ارتش جمهوری آذربایجان شهر شوشا (شوشی)، دومین شهر بزرگ قره‌باغ را تصرف کرد، تلاش‌های دیپلماتیک روسیه شدت گرفت. در ابتدای این درگیری هیچ گزینه خوبی پیش پای روسیه نبود، اما مسکو توانست با ترکیبی از فشار و دیپلماسی به توافق صلحی برسد که قدرت نفوذ این کشور را نسبت به گذشته بیش‌تر می‌کند.

توافق قبلی از شکست قطعی و اخراج احتمالی ساکنان ارمنی قره‌باغ جلوگیری کرد.

روسیه برای محافظت از ساکنان ارمنی این منطقه، دور نگه داشتن دو طرف متخاصم، و پاسداری از دالانی که ارمنستان را به قره‌باغ متصل می‌کند حدود ۲ هزار صلح‌بان به منطقه اعزام کرد؛ این همان چیزی است که کرملین از سال ۱۹۹۴ خواهان آن بوده است، اما نتوانسته بود تا پیش از این جنگ پای میز مذاکره به آن دست یابد.

مسکو، همچنین توانست تا حدودی دخالت دولت ترکیه را کم کند. به غیر از رهبران دو کشور درگیر، ولادمیر پوتین تنها کسی بود که این توافق صلح را امضاء کرده است، و فقط سربازان روس قرار است که به عنوان صلح‌بان و ناظر

اجرای این توافق عمل کردند و خبری از نیروهای ترکیه نبود. هر چند که این کشور می‌گوید تعدادی ناظر به منطقه اعزام می‌کند.

اما مسکو عقیده دارد که ایروان هیچ گزینه واقعی دیگری ندارد و باید برای حفظ امنیت خود به روسیه متوسل شود. ترکیه به دنبال نظامی نو در قفقاز جنوبی است و برای افزایش وزن و قدرت خود در عرصه منطقه‌ای تلاش می‌کند. جمهوری آذربایجان به دنبال حذف عامل جغرافیا به عنوان یک اداره محلی برای قره‌باغ بود. اقلیم‌سازی را اصلاً قبول نمی‌کند.

در قطع‌نامه‌ها و کنسوانسیون‌های بین‌المللی چه از طرف شورای امنیت سازمان ملل و چه نهادهای اروپایی از قره‌باغ به عنوان بخشی از جمهوری آذربایجان نام برده شده است. بنابراین از نظر حقوقی قره‌باغ بخشی از خاک آذربایجان قلمداد می‌شود. در جنگ اول قره‌باغ بخشی از خاک جمهوری آذربایجان به تصرف ارمنستان در آمد و در حدود سی سال تحت کنترل غیرمستقیم ارمنستان بود. اما جنگ ۲۰۲۰ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، شرایط را تغییر داد. جمهوری آذربایجان بخش عمده مناطق اشغال شده را آزاد کرد و در نهایت با میانجی‌گری روسیه در ده نوامبر ۲۰۲۰ توافق‌نامه آتش‌بس بین آذربایجان و ارمنستان امضاء شد.

توافقی در ۹، مبنی بر ایجاد یک دالان بین جمهوری نخجوان و آذربایجان است. اما در بند چهارم این توافق‌نامه در مورد خط اتصال خانکندی و ارمنستان یعنی کریدور لاپچین بحث شده و مسئولیت حفظ صلح این کریدور به عهده روسیه گذاشته شده است. اما با وجود توافق آتش‌بس، درگیری‌های مختصر و تنش بین آذربایجان و ارمنستان وجود داشته است. زمستان سال گذشته که آذربایجان دالان لاپچین را بست، ارمنستان، دولت آذربایجان را متهم به پاک‌سازی ملی کرد. اتهامی که باکو آن را رد کرده و چنین اتهامی به‌خاطر ساکنین ارمنه قره‌باغ است. اما تنش‌ها باقی ماندند. از نظر حقوقی قره‌باغ متعلق به آذربایجان است اما ارمنستان می‌گوید که قره‌باغ به‌خاطر جمعیت ارمنه ساکن و پیشینه تاریخی آن به‌شکل خودمختار اداره شود تا حقوق ارمنی‌ها حفظ شود.

ترکیه مهم‌ترین و اصلی‌ترین حامی جمهوری آذربایجان در روند تاریخی بررسی مناقشه قره‌باغ به حساب می‌آید. ترکیه هم در جنگ‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ از آذربایجان حمایت کرد و هم در جنگ ۲۰۲۰ پشتیبان اصلی اقدام نظامی آذربایجان برای آزادسازی اراضی خودش بود. این پشتیبانی از جنبه فکری، سیاسی، تجهیزاتی و نظامی و بین‌المللی انجام گرفت. در بررسی مفهومی، روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان از دوران حیدر علی‌اف تعبیر «یک ملت، دو دولت» برای نشان دادن نوعی همبستگی بین دو کشور استفاده می‌شده است. اخیراً نیز رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه در مجمع عمومی سازمان ملل این مسئله مورد تأکید قرار داد و گفت، شعار ما و جمهوری آذربایجان این است که ما یک ملت هستیم که دو دولت داریم و آنکارا از اقدامات باکو برای حفظ تمامیت ارضی خود حمایت می‌کند.

بنابراین دیدگاه ترکیه به کلیت مناقشه قره‌باغ، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی آذربایجان در تمام منطقه قره‌باغ است. ترکیه با به‌وجود آمدن استان خودگردان یا خودمختار شدیداً مخالف است. آذربایجان هم در اقدام اخیر خود که آن را عملیات ضد تروریستی خواند مدعی شد که ارمنستان، ارمنی‌های ساکن قره‌باغ را تجهیز می‌کند و آن‌ها اقدامات تروریستی انجام می‌دهند. اما دیدگاه ترکیه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. یک بخش همین منظر حقوقی و قانونی تمامیت ارضی آذربایجان است.

بخش دوم محدود به تنش‌های قره‌باغ نخواهد شد، بلکه به مسائلی کلان‌تر در قفقاز جنوبی باز می‌گردد یعنی مسائل مربوط به ایجاد دالان ارتباطی میان نخجوان و بخش اصلی جمهوری آذربایجان از خاک ارمنستان است. دالانی که اکنون از آن با نام «دالان زنگزور» نام می‌برند و محدوده ۴۰ کیلومتری در امتداد خاک ارمنستان در بر می‌گیرد و در

بند ۹ توافق‌نامه آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۰ به آن اشاره شده است. پرسش این‌جاست که چرا ترکیه با شدت بیش‌تری پیگیر ایجاد خطوط مواصلاتی نخجوان به جمهوری آذربایجان است؟ هدفی راهبردی برای ترکیه که توان ژئوپلیتیکی این کشور را در قفقاز و آسیای مرکزی افزایش خواهد داد و کانال ارتباطی ترکیه با آسیای مرکزی هم خواهد بود. اختلافات بر سر احداث چنین دالانی بسیار جدی است و ظرفیت تبدیل به یک تنش منطقه‌ای را دارا است. ارمنستان هنوز نهایی شدن ایجاد دالان موسوم به زنگزور موافقت نکرده است. نگاه ایران به این دالان بسیار مهم و پر ملاحظه است و مسئولان ایران در سطوح عالی تاکید کرده‌اند با هرگونه تغییر ژئوپلیتیک در حوزه قفقاز جنوبی مخالف دارند. اما سیاست‌های راهبردی آذربایجان و ترکیه فشار سیاسی و نظامی بر ارمنستان برای پذیرش احداث دالان ارتباطی است. بنابراین می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که بخشی از مناقشه جاری در هدف‌گذاری ترکیه و آذربایجان برای در تنگنا گذاشتن ارمنستان قرار داشته است که اگر چنین باشد تنش‌های حوزه قفقاز را پیچیده‌تر خواهد کرد.

شرایط نشان می‌دهد که بار دیگر و به احتمال قوی پای روسیه در میان‌جی‌گری دیگر و این‌بار برای حل مناقشه قره‌باغ در میان است. ممکن است روسیه مکانیزم منطقه‌ای و بدون دخالت کشورهای غربی را برای پایان مناقشه دیرینه قره‌باغ جست‌وجو کند. زیرا از جنبه ماهیت بحران، حوزه قفقاز جزئی از مناطق نفوذ نزدیک روسیه است و به‌همین دلیل، مسکو نمی‌خواهد نقش غرب در این حوزه پررنگ شود. درباره نقش دیگر بازیگران منطقه‌ای لازم است به تلاش‌های اردوغان برای برگزاری نشست‌های چهار جانبه متشکل از ارمنستان، آذربایجان، ترکیه و روسیه اشاره کرد که راه‌حلی برای به صلح بیابد، اما راه حل مد نظر ترکیه و باکو تامین خواست تبیین شده آن‌ها است و در این باره به حمایت روسیه به‌شدت نیازمند هستند. اما از آن‌جایی که این مناقشه جنبه ملیتی دارد و از لحاظ ژئوپلیتیکی هم بر رفتار و سیاست آتی قدرت‌های بزرگ و به‌ویژه روسیه در مسائل قفقاز و قره‌باغ تاثیرگذار است، بنابراین رسیدن به صلح پایدار سخت و پیچیده است. در سال گذشته قدرت و اراده‌ای که بتواند مشکل قره‌باغ را حل کند، وجود نداشته و یا این‌که روسیه هم تلاش لازم برای حل این مناقشه را به خرج نداده است.

بررسی سیاست‌های ترکیه و حمایت او از جمهوری آذربایجان در جنگ‌های قره‌باغ، پرسش‌های زیادی را پیش می‌کشد؛ واقعا دولت ترکیه به‌دنبال چه اهدافی است. به‌نظر می‌رسد که ترکیه به‌دنبال نظمی نو در قفقاز جنوبی است. ترکیه به دنبال افزایش وزن و قدرت خود در عرصه منطقه‌ای است.

ترکیه هم مثل روسیه تمایلی به حضور و نفوذ کشورهای غربی در قفقاز جنوبی ندارد. ترکیه به‌دنبال گسترش یک نگاه منطقه‌ای مبتنی بر پیش‌برد برنامه‌های خود در این منطقه است. بیش‌ترین اهمیت را هم موافقت ضمنی روسیه با این طرح‌ها دارد. بنابراین برای روسیه هم بسیار مهم است که کشورهای غربی در مناطقی که بخشی از حوزه حمایت روسیه قلمداد می‌شوند؛ نفوذی نداشته باشند.

یک مسئله مهم دیگر آن است که خطوط مواصلاتی و اتصالات جغرافیایی، قرار است ترکیه از طریق نخجوان به جمهوری آذربایجان و از آن‌جا به سمت آسیای مرکزی برود. این مسئله برای ترکیه به دو دلیل اهمیت دارد: نخست این که اتصال بین کشورهای ترک‌زبان خواهد بود. آرزوی دیرینه ترکیه که بتواند ترک‌زبان‌ها را به هم وصل کند. دوم این‌که ترکیه در چشم‌انداز سیاست خارجی خود در میان‌مدت و بلندمدت به‌دنبال پیش‌برد طرح‌های کلان اقتصادی در قفقاز و چین است. ترکیه می‌خواهد در این منطقه نقش محوری ایفا کند. دالان‌های اقتصادی که چین هم به‌دنبال آن‌هاست نقش ترکیه را پررنگ‌تر می‌کنند.

از سوی دیگر، ترکیه در تلاش است که مسئله پر هزینه و پر حاشیه ارامنه را که همواره دامن سیاست خارجی ترکیه را گرفته است تقلیل دهد. یعنی ارمنستان را در وضعیتی قرار دهد که به‌طرف بهبود روابط با ترکیه حرکت کند.

ترکیه، امروزه فرهنگ استراتژیک نوینی را در سیاست خارجی خود به کار گرفته است که به فراخور تحولات منطقه‌ای در آسیای غربی، آسیای میانه، قفقاز جنوبی و مدیترانه در حال قبض و بسط است. نطفه اولیه استراتژی کلان ترکیه را باید در سال ۲۰۰۸، با ورود داوود اغلو به گروه اردوغان و افزایش سه برابری GDP ترکیه (بالای ۸۰۰ میلیارد دلار در سال) در آن مقطع، دانست. برآورد استراتژیک ترکیه در سیاست خارجی بعد از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ در غرب، اولاً، این مسئله بود که غرب به رهبری آمریکا نسبت به کنترل وقایع و اتفاقات در آسیای غربی ناتوان هستند و یا تمایلی به کنترل اوضاع در منطقه ندارند و ثانیاً، در برآورد ترک‌ها، اعراب درگیر مسائل داخلی خود بودند و ایران نیز رفته‌رفته زیر فشارها غرب تضعیف خواهد شد و توان رقابت با آنکارا را نخواهد داشت؛ لذا فضا برای تحرک ترکیه در منطقه ایجاد شده است و این کشور بایستی به سمت افزایش عمق راهبردی خود در شامات، مدیترانه و آسیای میانه و قفقاز، حرکت کند.

ورود بی‌محابای ترکیه به مناقشه اخیر قره‌باغ منجر به تحول جدی این بحران و شروع دوباره جنگ فراگیر در منطقه شد. حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان، این کشور را در منطقه قفقاز جنوبی تبدیل به کنشگر بازی‌ساز فعال کرده است.

مسئله حقوق ارامنه و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی آن‌ها به لحاظ دینی و فرهنگی محدود به آذربایجان نمی‌شود. ملاحظات بین‌المللی در مورد ارامنه وجود دارد و آن‌ها هم از لابی قدرتمندی در سطح جهانی برخوردارند. که نادیده گرفتن آن‌ها هزینه زیادی برای جمهوری آذربایجان خواهد داشت.

بر جمهوری اسلامی ایران، نسبت به تحولات آسیای مرکزی و قفقاز و در این‌جا نقش‌آفرینی ترکیه در مناقشه قره‌باغ حساس است. آنچه باعث تغییر نگرش ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ شده است به یک دسته عوامل داخلی و منطقه‌ای مربوط می‌شود.

اقتصاد تجارت محور ترکیه از دوران اپیدمی کرونا با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده است. حجم عظیمی از بدهی‌های خارجی (حدود ۴۳۰ میلیارد دلار)، کاهش کم‌سابقه ارزش لیر در برابر دلار آمریکا (هر دلار حدود ۸/۵ لیر)، بیکاری فزاینده، کاهش پایگاه اجتماعی حزب حاکم، بروز اختلافات درون‌حزبی در جناح حاکم و... همگی سیگنال‌های منفی است که از شرایط داخلی ترکیه می‌توان جست‌وجو کرد. در چنین شرایطی، یکی از رؤس سیاست خارجی اردوغان نسبت به قره‌باغ می‌تواند از شرایط داخلی نشئت بگیرد. مشخصاً می‌توان جرعه اولیه درگیر شدن منافع ترکیه در قره‌باغ را به نبرد چهارروزه در جولای ۲۰۲۰ در منطقه تروز در ۲۰۰ کیلومتری قره‌باغ، دانست. منطقه تروز به دلیل عبور خطوط لوله نفت و گاز باکو و آنکارا به اروپا برای ترکیه بسیار بااهمیت و استراتژیک است. این امر باعث شد که اردوغان در یک سخنرانی در ۲۰۲۰ بیان کند که «قره‌باغ به همان میزان که برای آذربایجان اهمیت دارد؛ برای ترکیه نیز داری اهمیت است.»

هدف دولت ترکیه، بیش از هر چیز حضور در تحولات میدانی آبی قفقاز جنوبی و آسیای میانه است و آذربایجان در حکم دروازه ورود آنکارا به این مناطق محسوب می‌شود؛ بنابراین ترکیه می‌خواهد در قفقاز جنوبی، همانند مسکو، بدون بازیگران غربی و ایران با روسیه پای میز مذاکره بنشیند و بحران قره‌باغ این امکان را برای اردوغان فراهم کرد تا به این نقطه مشترک با روسیه دست پیدا کند.

اردوغان در ابتدای زمامداری، همواره اسلام‌گرایی‌اش بر ملی‌گرایی‌اش می‌چربید، اما در چند سال گذشته به سمت ناسیونالیسم نیز سوق پیدا کرده است. این چرخش او به ملی‌گرایی را می‌توان در سیاست‌های منطقه‌ای او در قبال قبرس

شمالی، مدیترانه شرقی و اخیراً در آذربایجان با برگزاری مانور مشترک و شرکت در رژه پیروزی در باکو، مشاهده کرد.

یک مسئله بسیار مهم بزرگ ایجاد گذرگاهی برای اتصال ترکیه و نخجوان به جمهوری آذربایجان است. این مسئله از چنان اهمیت تاریخی و استراتژیک بالایی برای رهبران دیروز و امروز برخوردار است که علاوه بر جنوب قفقاز، محیط پیرامونی دریای خزر و اوراسیا را نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرصت‌ها و شرایط جدیدی را برای آنکارا فراهم سازد. این‌جاست که می‌توانیم به عمق جهت‌گیری سیاسی ترکیه و ارتباطش با آذربایجان پی ببریم.

یکی از اهداف اصلی و مهم در بحث انرژی در کشور ترکیه، کاهش هزینه‌های کریدورهای انرژی و واردات انرژی است. ترکیه هم‌اکنون سالانه حدود ۱۲ میلیارد دلار گاز به‌صورت طبیعی و آلان‌جی عمدتاً از روسیه، جمهوری آذربایجان، ایران، آمریکا، قطر و الجزایر وارد می‌کند و گاز وارداتی از ایران جزء گران‌ترین گازی‌هایی است که ترکیه دریافت می‌کند. قرارداد انتقال گاز ایران به ترکیه در سال ۲۰۲۶ به پایان می‌رسد و این در حالی است که با تحولات اخیر قریه‌باغ؛ قطعاً ترکیه نسبت به ایران دست بالاتر را در اختیار خواهد گرفت. ضمن این‌که ترکیه همواره از ورود مبادی انرژی جدید به خاک این کشور و وابسته کردن اروپا به کارت بازی انرژی ترکیه، استقبال می‌کند. ترکیه فعلاً به پیروزی بزرگی در درگیری‌های اخیر قریه‌باغ دست‌یافته است، زیرا با روندهای جغرافیایی، یعنی ورود مستقیم و بی‌واسطه به قفقاز جنوبی و آسیای میانه، خواهد رسید. نقشه منطقه جدید میان ارمنستان و آذربایجان، پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی جدیدی برای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی و حتی آسیای مرکزی و در مسیر دسترسی به دنیای شرق خلق خواهد کرد. انگیزه‌های داخلی و خارجی متعددی در شکل‌گیری این دستاوردها برای ترکیه نقش داشته‌اند. به‌نظر می‌رسد نقشه ژئوپلیتیکی جدید منطقه قفقاز جنوبی، احتمالاً برای ایران تبعات منفی خواهد داشت.

طبیعتاً وضعیتی که در اوکراین برای روسیه به‌وجود آمده است در برهم خوردن معادلات منطقه قریه‌باغ نیز نقش دارد. در حال حاضر ترکیه نقش مهمی را برای روسیه ایفا می‌کند. نقش مهمی را برای صادرات انرژی روسیه ایفا می‌کند چرا که به سبب تیرگی رابطه مسکو با اروپا، مشکلاتی برای روس‌ها ایجاد شده است. در حال حاضر بخش مهمی از نیازهای روسیه به واسطه تحریم‌ها از طریق ترکیه تامین می‌شود. بر همین اساس هم آمریکا طی روزهای گذشته چندین شرکت ترک را به جرم نادیده گرفتن تحریم‌های روسیه تحریم کرد. در واقع ترکیه مانند بازوی کمکی روسیه به میدان آمده است. در منطقه قریه‌باغ نیز مسکو از موضع آنکارا و باکو حمایت می‌کند. این موازنه هم در نهایت به سود آذربایجان و بر علیه ارمنستان در حال پیشروی است.

به این ترتیب، بدون همراهی روسیه جنگ جدید در نمی‌گرفت و بدون همراهی روسیه، آذربایجان نهم به پیروزی دست نمی‌یافت. بدون همراهی روسیه امکان ندارد که کریدور لاپچین باز شود و امکان تغییر مرزها وجود ندارد.

در معاهده صلح سه جانبه‌ای که میان روسیه، آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ پس از پایان جنگ دوم قریه‌باغ منعقد شد مسکو خود را به‌عنوان حافظ صلح در مناقشه قریه‌باغ مطرح کرد. روسیه در قفقاز نیرو پیاده کرده است و به راحتی حاضر به بازگشت این نیروها به خاک خود نیست. مگر این‌که اتفاق خاصی بیفتد. روسیه نام خود را حافظ دو کریدور آذربایجان به نخجوان و منطقه ارمنی‌نشین قریه‌باغ به ارمنستان در معاهده مورد اشاره گنجانده است. روسیه در پی آن است که برای ۵ سال دوم حضور خود را در منطقه قفقاز تمدید کند. منافع روسیه در گشایش این کریدور است و بر همین اساس هم این کریدور به سرانجام خواهد رسید. ما به زودی با کریدور مورد ادعای آذربایجان مواجه خواهیم شد.

جمهوری اسلامی ایران، همواره نگران نفوذ هرچه بیشتر اسرائیل در منطقه است. بر اساس گزارش موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، حدود ۶۰ درصد از واردات دفاعی آذربایجان در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۹ از سوی دولت یهود بوده است، در حالی که در سال ۲۰۲۰ این حجم به تقریباً ۷۰ درصد افزایش یافته است. در ماه مه ۲۰۲۲، گزارش‌هایی مبنی بر خرید تجهیزات دفاع موشکی گنبد آهنین توسط آذربایجان منتشر شد. در شرایط بحران انرژی و غذا، آویگدور لیبرمن، وزیر دارایی اسرائیل سپس به آذربایجان رفت تا افزایش واردات هیدروکربن‌ها را درخواست کند.

تل آویو یک طرح اضطراری را با هدف استقبال از یهودیان فراری از روسیه که از کشورهای مرزی مانند فنلاند و همچنین آذربایجان عبور می‌کنند، اتخاذ کرده است. این طرح شامل ایجاد مراکز اقامت انتقالی است. در ماه اکتبر، نوبت وزیر دفاع بنی گانتز بود که به باکو سفر کند و در آنجا با رهبران آذربایجان راه‌های تقویت همکاری استراتژیک را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

جمهوری اسلامی در جنگ اول ۱۹۹۱-۱۹۹۴ از ارمنستان حمایت سیاسی کرده بود. باکو از این اقدام جمهوری اسلامی ایران به شدن ناراحت است. به خصوص در سال گذشته، درگیری‌های ایران و آذربایجان با حمله تروریستی به سفارت آذربایجان در تهران شدت گرفت و روابط دو کشور تیره‌تر شد. وبسایت‌های آذربایجانی مرتباً این احتمال را مطرح می‌کنند که باکو می‌تواند حریم هوایی خود را به جت‌های اسرائیلی برای ورود به خاک ایران یا اعزام یگان‌های ویژه اسرائیل به ایران پیشنهاد دهد. جنگ گذشته موقعیت آذربایجانی را تقویت کرد که بخشی از طبقه سیاسی آن تمایلات الحاق‌گرائی به آذربایجان ایران را دارند که جمعیت زیادی از قومیت آذری در آن زندگی می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران، هر از گاهی آذربایجان را تهدید کرده و تکرار نموده که مرزش با ارمنستان خط قرمز آن است. پروژه کریدور فراسرزمینی زنگزور که باکو را به آنکارا، و آسیا را به اروپا متصل می‌کند، از سوی جمهوری اسلامی یک تهدید جدی تلقی می‌شود. این کریدور، همچنین با خطر جایگزینی خطوط لوله گاز ایران به نخجوان با خطوط لوله گازی که از آذربایجان و آسیای مرکزی می‌گذرد، ایران را از نقش حیاتی خود در تجارت و ترانزیت انرژی در منطقه محروم می‌کند.

در پی حمله نظامی آذربایجان به ارمنستان در ۲۲ شهریور سال گذشته، ایران رزمایش‌های نظامی سپاه پاسداران خود را در نزدیکی مرزش با دو کشور برگزار کرد تا بر مواضع خود و لزوم حفظ مرز مشترک و خطوط مواصلاتی خود با ارمنستان تاکید کند. اگر مرز ایران با ارمنستان از دست برود، تجارت این کشور با اروپا و اوراسیا در اختیار راه‌های تجاری ترکیه و آذربایجان قرار خواهد گرفت و سر ایران بی‌کلاه خواهد ماند.

بعد از جنگ دوم قره‌باغ، روابط جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی پرتنش بوده است. پیش‌تر «الهام علی‌اف»، با انتقاد از جمهوری اسلامی، با اشاره به روابط نزدیک ایران و ارمنستان گفته بود: «باز کردن آغوش کشور مدعی اسلام‌گری به کشوری که مساجد را نابود کرده است، چیزی جز ریاکاری و خیانت نیست.»

به‌نوشته «باکو پست»، نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در جریان جنگ قره‌باغ، درصدد استفاده از این شهروندان آذربایجانی علیه آذربایجان و به‌نفع ارمنستان بوده‌اند، ولی با بروز اختلاف‌نظر بین نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی و آن‌ها، عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی با ارائه تصاویر ویدیویی از شهروندانی که در رزمایش‌های نظامی سوریه شرکت داشته، باج‌گیری کرده و آن‌ها را ساکت نگه داشته‌اند.

کارشناسان می‌گویند که نفوذ جمهوری اسلامی بر جمعیت شیعه آذربایجان به‌دلیل نگرشی که در جنگ دوم قره‌باغ اتخاذ کرد، ضعیف شده است. جمهوری اسلامی در جنگ قره‌باغ نمتنها کنار کشور مسلمان نبود، بلکه کنار ارمنستان و روبه‌رو جمهوری آذربایجان ایستاد.

برگزاری سه مانور توسط جمهوری اسلامی در مرز جمهوری آذربایجان از سایر مواردی بود که واکنش تند مقامات آذربایجانی را در پی داشت.

حمله به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران، دستگیری جاسوس‌های متهم به ارتباط با دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی توسط آذربایجان، ترور نماینده مجلس ملی جمهوری آذربایجان و منتقد سیاست‌های ایران توسط افراد نزدیک به جمهوری اسلامی، پناه دادن به مخالفان جمهوری آذربایجان در خاک ایران، اخراج چهار دیپلمات از هر دو طرف با عنوان «عنصر نامطلوب»، روابط دوستانه جمهوری آذربایجان با اسرائیل و افتتاح سفارت آذربایجان در اسرائیل و تلاش برای حمله به سفارت اسرائیل در باکو، از دیگر مواردی است که روزبه‌روز به تنش بین دو کشور افزوده است.

در چندین ماه گذشته مقام‌های باکو و تهران بارها نسبت به بهبود روابط تاکید کرده‌اند، اما آنچه که مشخص است آذربایجان نسبت به مداخله جمهوری اسلامی در امور داخلی این کشور و حمایت این کشور از ارمنستان ناراضی است. جمهوری اسلامی هم از دخالت در امور داخلی و سیاست خارجی جمهوری آذربایجان ابایی ندارد و با انتقاد از نزدیکی اسرائیل و آذربایجان و مسئله کریدور زنگه‌زور، بارها این کشور را تهدید کرده است.

با وجود رضایت از داشتن حامیان دست راستی محافظه‌کار و طرفدار روسیه (روسوفیل) در ارمنستان، مسکو حاضر نیست آن‌طوری که باید و شاید به ارمنستان کمک کند و دولت‌های ترکیه و آذربایجان را برنجاند.

روسیه نمی‌خواهد آذربایجان را که با آن مرز زمینی مشترک دارد و از پروژه‌های راه‌های ارتباطی جدید حمایت می‌کند، از خود براند. همچنین ۳۰ درصد از سهام شرکت دولتی سوکار (Socar) آذربایجان را از طریق شرکت لوک اویل (Lukoil) خود در اختیار دارد. جمهوری آذربایجان و روسیه در ۱۸ فوریه ۲۰۲۲، توافق‌نامه‌ای را با هدف دور زدن تحریم‌های غرب امضاء کردند که بر اساس آن باکو یک مسیر جایگزین برای صادرات گاز مسکو به اروپا را پیشنهاد می‌کند. در همین چارچوب می‌توان توضیح داد که صادرات نفت آذربایجان چگونه از ژانویه تا مارس ۲۰۲۲ با ۵۰ درصد افزایش به ۶۱۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

در حالی که درک خط قرمز کرملین دشوار است، اما شکی وجود ندارد که روسیه با کوتاهی در اقدام به افزایش سیاست جنگی آذربایجان کمک کرده است. یکی از انگیزه‌های او در این بخش از «دور نزدیک» خود در «طرح لاوروف ۲» است که شامل ایجاد کریدور معروف در جنوب ارمنستان است. فضایی فوق استراتژیک که مسکو آن را فراسرزمینی می‌داند، بنابراین در واقع خارج از حاکمیت ارمنستان است.

با توجه به این‌که روسیه در حال حاضر به دلیل تحریم‌های بین‌المللی در مرزهای غربی خود دارای مشکل است، راه اصلی خروج در اختیار آن از طریق ترکیه با گذر از آذربایجان است. در این راستا، روسیه می‌تواند به واسطه آذربایجان از طریق این کریدور به ترکیه و مدیترانه دسترسی داشته باشد، کریدوری که مسکو می‌خواهد تحت کنترل خود داشته باشد. بنابراین باید درک کرد که بند ۹ توافق آتش‌بس سه‌جانبه ۹ نوامبر ۲۰۲۰ با در نظر گرفتن این موضوع تحمیل شده است.

ارمنستان به ریاست نخست وزیری که در سال ۲۰۱۸ به واسطه یک «انقلاب مخملی» به قدرت رسید، از وخامت روابط خود با روسیه رنج می‌برد، زیرا در آنجا دیگر اعتماد عمیقی وجود ندارد. تلاش نیکول پاشینیان برای نزدیک شدن به اتحادیه اروپا (EU) و اجرای یک برنامه پروغرب با منافع ژئواستراتژیک روسیه ناسازگار است. اگرچه روسیه ضعیف شده است، اما اهرم‌های جدی در ارمنستان دارد که در حال حاضر هیچ جایگزینی از نظر امنیتی برای

آن‌ها وجود ندارد. در حال حاضر احساسات ضد روسی در میان جمعیتی که احساس می‌کنند توسط مسکو رها شده است، در حال افزایش است.

سفر تاریخی نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به ایروان در ۱۷ سپتامبر در حالی انجام می‌شود که واشنگتن به‌دنبال سوءاستفاده از موقعیت با فشار آوردن به ایروان و باکو برای دستیابی به یک توافق صلح است که به غرب امکان دسترسی از طریق ترکیه به دریای خزر را بدهد. در حالی که پلوسی از ارمنستان، به‌مثابه کشوری مورد حمله قرار گرفته و تنها دموکراسی در منطقه ستایش کرد، آمریکا جزئیاتی را ارائه نکرد که مایل است از ارمنیان حمایت کند.

در حالی که ایالات متحده به تلاش‌های خود برای مهار و تضعیف روسیه ادامه می‌دهد، دولت بایدن در تلاش است تا حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی روسیه در قفقاز جنوبی را کاهش دهد. این بدان معناست که ایالات متحده از تجاوزات هر یک از آن‌ها استفاده خواهد کرد تا مشارکتش در روند مذاکرات ارمنستان و آذربایجان را افزایش دهد و بدین ترتیب، شرایط برای خروج نیروهای حافظ صلح روسی از قره‌باغ کوهستانی را آماده کند. در عین حال، واشنگتن می‌کوشد با استفاده از روند عادی‌سازی روابط ایروان با آذربایجان و ترکیه، زمینه‌ای برای پیش‌برد خروج پایگاه نظامی روسیه از ارمنستان به‌وجود آورد. کاهش حضور روسیه در قفقاز جنوبی خلایی ایجاد خواهد کرد که ترکیه به احتمال زیاد به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و متحد استراتژیک آمریکا آن را پر خواهد کرد.

در واقع می‌توان گفت که ارمنستان به‌نوعی قربانی ژئوپلیتیکی قدرت‌مندها، در شرایطی که روس‌ها و ترک‌ها سعی در دور نگه داشتن غربی‌ها دارند، چیزی بیش از یک ابزار چانه‌زنی نیست. ارمنستان که توسط روسیه‌ای ضعیف و خفه شده نمی‌تواند انتظار زیادی از غرب داشته باشد، تنها راه نجات آن‌ها در جست‌وجوی راه سازش با همسایگانش است. با تقویت سیاست‌های جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ناسیونالیستی و مذهبی، به‌منظر می‌رسد در روابط بین روسیه و غرب به این زودی‌ها بهبودی حاصل نخواهد شد، شاید هم بدتر از این هم بشود. در چنین شرایطی، دولت ترکیه به وضوح منشا این جو تنش جمهوری اسلامی و ترکیه در منطقه است.



دولت ترکیه، همچنین از هر فرصتی استفاده می‌کند تا قندیل، پایگاه پ.ک.ک و روژاوا در سوریه مورد تهاجمات نظامی و فاشیستی خود قرار می‌دهد. این دولت با نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) و حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) خصومت و دشمنی عجیبی دارد. سال‌هاست که نیروهای ترکیه با همکاری گروه‌های تروریستی سوری کانتون عفرین را اشغال کرده است.

ترکیه به‌مناسبت جنگ در قره‌باغ، چند صد تروریست سوری را برای ایستادن در کنار نیروهای آذری فرستاده و همچنین هواپیماهای بدون سرنشین TB2 شرکت بایکار که داماد اردوغان ریاست آن را به‌عهده دارد.

اردوغان در تلاش است حضور خود در قفقاز را تثبیت کند و به لطف ایجاد یک راهرو بین منطقه آذری نخجوان و آذربایجان، نوعی تداوم ارضی و ارتباط سریع‌تر بین دریای سیاه و دریای خزر، انتقال آسان‌تر گاز آذربایجان به اروپا از طریق خط لوله گاز ترانس آناتولی (Tanap) را ممکن سازد. همچنین او با این ادعا که ترک‌ها و آذری‌ها یک ملت واحد تقسیم شده بین دو کشورند، در لفاظی‌های نئو عثمانی کوتاهی نکرده است.

رئیس جمهور ترکیه که با اصلاح قوانین در ژانویه ۲۰۱۷ از اختیارات کامل برخوردار شده، از نظر نظامی در کشمکش‌های شدید منطقه‌ای درگیر است. (لیبی و سوریه) مفهوم «میهن آبی» (Mavi Vatan) که توسط برخی از دریاسالارهای او ابداع شد، او را به تقویت ناوگان دریائی ترکیه (که آخرین مانور آن در دریای اژه دقیقاً «Blue Homeland-2021» نامیده شد) واداشت و زیر سؤال بردن منطقه اقتصادی انحصاری (EEZ) یونان در شرق مدیترانه، که غنی از هیدروکربن است. پیروزی اخیر نامزد او در انتخابات جمهوری ترک قبرس شمالی (TRNC) - که توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته نشده است - ، به اردوغان اجازه داد که به هر گونه فرضیه اتحاد مجدد جزیره پایان دهد و راه را برای الحاق کامل به ترکیه هموار کند.

این تمایل به گسترش سرزمینی ترکیه قبلاً نیز در سال ۲۰۱۸ تایید شده بود. ارتش ترکیه طی عملیات «شاخه زیتون» علیه اعضای ارتش آزاد سوریه (ASL) تا عمق ۳۰ کیلومتری در خاک سوریه جلو رفت و با تصاحب منطقه عفرین از طریق پاکسازی ملی و خشونت علیه کردها که از قرن ۱۸ در آن ساکن بودند، ۱۳۰ هزار نفر از آن‌ها را مجبور کرد به مناطق دیگر پناه برند. عرب‌ها و ترکمن‌ها جای آن‌ها را گرفتند و کسانی که باقی ماندند در سرزمین خود اقلیت شده‌اند.

پرچم ترکیه بر فراز ساختمان‌ها به پرواز در می‌آید، مدارس به زبان‌های عربی و ترکی آموزش می‌دهند، شبکه‌های برق و تلفن به شبکه‌های ترکیه متصل هستند. امامان و مبلغین مساجد توسط اداره امور دینی (دیانت) ترکیه منصوب می‌شوند و از آن حقوق می‌گیرند. لیر ترکیه به واحد پول مبادلات تجاری تبدیل شده است. به تدریج، منطقه عفرین به سمت وابستگی اداری به فرمانداری ختای در ترکیه در حرکت است، یعنی سنجاک سابق اسکندرون سوریه که در سال ۱۹۳۹، با توافق فرانسه و انگلیس، آنکارا بر آن دست گذاشت.

این «چشم‌انداز» اختلافات قدیمی در مورد مرزهای ترکیه و عراق را با وارد کردن کردستان عراق به آن به میزان قابل توجهی تغییر می‌دهد. واضح است که برای آنکارا، تقسیم عراق یک گزینه است.

در سال ۲۰۲۰ ترکیه پان ترکیسم (یا گراند توران) را دوباره فعال کرد، پروژه اتحاد ترک‌زبانان آسیای میانه که ارثیه ملی‌گرایانه و نژادپرستانه انور پاشا، وزیر جنگ امپراتوری عثمانی در طول جنگ جهانی اول، که یکی از محرکان نسل‌کشی ارمنه بود. با تحریک طرفداران خود با اشاره به «سیب سرخ» (Kizil Elma)، اردوغان می‌داند که در حال بازی با نماد اصلی سلطه ترکیه در آسیای میانه است که بر اساس یک شبه همگنی ملی-زبانی، آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان را تداعی می‌کند.

در سال ۱۹۹۲، از طریق نهاد دولتی آژانس همکاری ترک زبان (TIKA، Isbirligi ve Kalkinma Ajansi)، ترکیه اقدام به مشارکت در سیاست‌های فرهنگی، آموزشی، تجاری و انرژی بین این کشورها کرد. مسکو، با توجه به این‌که این کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق به حوزه نفوذ آن تعلق دارند، مخالفت خود را به شدت به آنکارا فهماند. اما چهل سال بعد، توازن قوا دیگر همان‌گونه نیست. و پان ترکیسم امروز (که اویغورها را رها می‌کند زیرا با چین «business is business»، «تجارت تجارت است») می‌خواهد، فراتر از پنج کشور ذکر شده، با ایجاد نگاهی محافظانه به تاتارهای کریمه و مسلمانان بالکان دوباره ظاهر شود.

همان‌طور که می‌بینیم، جاه‌طلبی‌های «سلطان ترکیه» کم نیست. آن‌ها همچنین در خدمت مخفی کردن وضعیت داخلی هستند که در آن تورم، بیکاری، کاهش قیمت لیر، اعتراضات دانشجویان، اعتراضات کارگران، روزنامه‌نگاران و روشنفکران، اقدامات امنیتی تقویت شده، حبس نمایندگان منتخب کرد حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP)، سرکوب مردم کرد و سایر مردمان تحت ستم، ادامه ایزوله کردن عبدالله اوجالان (آپو) در زندان جزیره امیرالی، وضعیتی غیرقابل تحملی را به‌وجود آورده است. او همچنین با کاهش جایگاه اجتماعی خود و حزبش مواجه است در حالی که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری به زحمت برنده شد.

در مقابل این وضعیت انفجاری، تکیه بر اعتلای واقعیت دینی به‌عنوان عنصری از هویت ملی، همچنان ادامه دارد و در سال ۲۰۱۹، با تحقق پروژه ۹۰ میلیون دلاری (۴۲.۷۵ میلیارد یورو) ساختن مسجد چاملیکا، بزرگ‌ترین در ترکیه، تجلی یافته است. چندی پیش نیز، با تبدیل ایاصوفیه به یک مکان عبادی، خاطره سال ۱۴۵۳ را زنده کرد. زمانی که برای اولین بار، که یک سلطان بر کل امپراتوری عثمانی سلطنت کرد و کلیسا به یک مسجد تبدیل شده بود.

علاوه بر این، ژئوپلیتیک تهاجمی ترکیه (ارتش دوم ناتو) از سوی دولت آمریکا فقط در معرض انتقاد است. در نشست سه‌جانبه سوچی در ۵ مارس ۲۰۱۱ که بین دیمیتری مدودف (رئیس جمهور روسیه)، الهام علی‌اف (رئیس جمهور آذربایجان) و سرژ سارکسیان (رئیس جمهور ارمنستان) صورت گرفت - تعهدنامه‌ای برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات، بررسی حوادث در جریان و مسایل مربوط به آتش‌بس امضاء شد. اما در ژانویه و فوریه ۲۰۱۴، بار دیگر در روابط ارمنستان و آذربایجان تنش ایجاد شد به‌طوری که رسانه‌های آذربایجان بیش از ۱۵۰۰ نقض آتش‌بس (در ۲۰۱۳م) گزارش کردند. گروه مینسک در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۴، با وزرای خارجه ارمنستان و آذربایجان دیدار و نگرانی خود را از افزایش خشونت، تضعیف مذاکرات و چشم انداز صلح اعلام کرد و خواستار شرایط بی‌قید و شرط برای توافق آتش‌بس شد.

مناقشه قره‌باغ تاکنون خسارت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بزرگی به بار آورده و دو کشور آذربایجان و ارمنستان، از ۱۹۹۱، تلاش‌های زیادی برای حل آن انجام داده‌اند. طی سال‌های اخیر، تلاش‌هایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های مختلف منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برای حل این مناقشه صورت گرفته است و هر یک به فراخور علایق و منافع سیاسی و اقتصادی خود وارد میدان مناقشه شده‌اند.

باید اذعان کرد که ریشه‌های تاریخی-ملی قره‌باغ، سبب تعارض منافع رقیبان منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی و به‌ویژه پافشاری دولت آذربایجان بر حل مسئله در چارچوب تمامیت ارضی این کشور است. از سوی دیگر، پافشاری ارمنیان قره‌باغ بر حق تعیین سرنوشت مردم قره‌باغ باعث شده است میانجی‌گری چندین ساله گروه مینسک و قطع‌نامه‌های سه‌گانه شورای امنیت، تأثیری بر حل‌وفصل بحران نداشته باشند و وضعیت آتش‌بس شکننده‌ای بین این دو کشور، همچنان تدوام یابد. دخالت‌ها و رقابت‌های دولت‌ها در راستای منافع خود در منطقه قفقاز جنوبی را باید از دو منظر بررسی کرد: نخست آن‌که دولت‌ها، صرفاً به‌دنبال منافع خود در منطقه هستند؛ دوم این‌که منافع آن‌ها کاملاً با منافع برخی کشورهای منطقه در تضاد است. در نتیجه، برآیند این برخورد منافع، موجب کاهش امکانات موجود برای حل‌وفصل بحران قره‌باغ و در نهایت، حل‌نشدن این بحران و اکنون آوارگی ده‌ها هزار نفری ارمنیان شده است. متأسفانه اعضای گروه مینسک پس از آتش‌بس سال ۱۹۹۴، ایران را از فرایند صلح قره‌باغ کنار گذاشتند و به همین دلیل جمهوری اسلامی تاکنون برای خرابکاری و درگیری در این منطقه هر آنچه که در توان داشته به کار انداخته است.

منطقه قره‌باغ، از جمله مسائل مورد مناقشه دو کشور آذربایجان و ارمنستان است. جمهوری آذربایجان مدعی است که این منطقه از لحاظ تاریخی در حاکمیت آن‌هاست. اما براساس شواهد تاریخی، قره‌باغ، که قدمتی بیش از ۲۵۰۰ سال

دارد، یکی از قدیمی‌ترین استان‌های ارمنستان است و تحت نام «آرتساخ»، همواره منطقه‌ای خودمختار و ارمنی‌نشین بوده است. در ۱۹۲۱ حکومت شوروی در راستای منافع سیاسی خود، دو منطقه نخجوان و قره‌باغ را از ارمنستان جدا کرد و طبق سیاست نگاه به شرق، آن‌ها را به جمهوری آذربایجان واگذار کرد. در حالی که، اکثریت مردم این دو خطه ارمنی بودند. به همین دلیل، مردم قره‌باغ در طول هفتاد سال حکومت شوروی همواره خواستار پیوستن به سرزمین مادری خود یعنی ارمنستان بودند. این مناقشه نیز بر همین اساس به وجود آمد. مسئله قره‌باغ در ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یعنی در ۱۹۸۸، بار دیگر به‌مثابه یک زخم تاریخی مطرح و به‌تدریج منجر به یک رشته مبارزات آزادی‌بخش شد. تشدید مناقشه بر سر قره‌باغ کوهستانی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به جنگی تمام عیار و ملی انجامید.

جامعه بین‌الملل نیز، با وجود برگزاری چهار دوره انتخابات ریاست جمهوری در قره‌باغ، تا کنون استقلال آن را به رسمیت نشناخته و این جمهوری با مشکل عدم شناسایی جهانی مواجه شده بود؛ حتی ارمنستان هم، بنا به ملاحظاتی، جمهوری قره‌باغ کوهستانی را به رسمیت نشناخته است.

جمهوری آذربایجان روز یکشنبه گذشته، اعلام کرد که هیاتی از سازمان ملل متحد برای اولین بار طی سه دهه گذشته وارد منطقه قره‌باغ کوهستانی شد. سخن‌گوی الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان در حالی این خبر را اعلام کرد که اکثریت ساکنان قره‌باغ کوهستانی این منطقه را به مقصد ارمنستان ترک کرده‌اند. اکثر ساکنان این منطقه را تا پیش از تسلط جمهوری آذربایجان بر آن آرامنه تشکیل می‌دادند.

ماموریت اصلی هیات سازمان ملل متحد در قره‌باغ کوهستانی ارزیابی نیازهای بشردوستانه عنوان شده است. سازمان ملل پیش از این از موافقت باکو با اعزام هیاتی از این سازمان به منطقه قره‌باغ کوهستانی خبر داده بود. این در حالی است که فرانسه از تاخیر جمهوری آذربایجان در موافقت با سفر هیات سازمان ملل به قره‌باغ کوهستانی انتقاد کرده بود.

بیش از ۱۰۰ هزار نفر از ساکنان منطقه قره‌باغ کوهستانی در پی این تحولات مجبور به ترک محل زندگی خود شدند. این در حالی است که جمعیت این منطقه به‌طور رسمی ۱۲۰ هزار نفر ذکر می‌شود.

سفر رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و رهبر حزب عدالت و توسعه به نخجوان، رویدادی بود که نشان‌دهنده نوع نگرش سیاسی و ژئوپولیتیکی آنکارا به تحولات اخیر است. اردوغان در این سفر، یکبار دیگر نشان داد که برای عبور از نخجوان و سیونیک و متصل شدن به جمهوری آذربایجان، شتاب و عجله فراوانی دارد و اساسا ترکیه در این تحولات، به‌عنوان یک حامی و مشوق در کنار جمهوری آذربایجان بوده است.

نگاهی به رویدادهای سه سال گذشته در قفقاز جنوبی نشان می‌دهد؛ آن چه که در قره‌باغ روی داد؛ بخشی از تکمیل سناریوی قبلی جمهوری آذربایجان برای تکمیل اهداف یک جنگ بزرگ بود. جنگی که بدون تردید؛ بدون حمایت ترکیه و استفاده از رصد هوایی و پهپادهای این کشور؛ پیروزی در آن برای علی‌اف ناممکن بود.

همچنین نگرش خاص روسیه به‌خاطر گرایش‌های غربی نیکول پاشینیان؛ مجموعا شرایطی را فراهم آورد که منجر به پیروزی طرف آذربایجانی شد. حالا احتمالا نمایندگان سیاسی و نظامی باکو؛ در پی آن هستند که در صورت لزوم و فشارهای بین‌المللی، نوعی از حکومت محلی را در قره‌باغ تاسیس کنند که حاکمیت سیاسی آن در اختیار آذربایجان باشد.

چه خواهد شد؟ دسترسی ناظران مستقل به قره‌باغ کوهستانی تقریبا غیرممکن است و دقیقا مشخص نیست که عملیات نظامی جاری تا چه حد گسترده است و تا چه زمانی طول خواهد کشید.

آنچه روشن است این است اختلاف شدید میان آذربایجان و ارمنستان، همچنان باقی خواهد ماند.

الهام علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان در گذشته بارها تهدید کرده که اگر لازم باشد کنترل تمام منطقه قره‌باغ کوهستانی را با توسل به زور در دست خواهد گرفت.

در سال ۲۰۱۹، پاشینیان در جمع ارمنی‌های ساکن شهر اصلی قره‌باغ گفته بود: «آرتساخ همان ارمنستان است، بدون هیچ تردیدی.» آرتساخ نام ارمنی قره‌باغ کوهستانی است.

آذربایجان متعهد شده است که به حقوق ارمنی‌ها در قره‌باغ احترام بگذارد. با این حال بسیاری از ارمنه از ترس انتقام‌جویی تصمیم گرفتند این منطقه را به قصد ارمنستان ترک کنند.

آتش‌بس ۲۰۲۰ توسط روسیه ضمانت شده بود. اکنون جمهوری آذربایجان هم آتش‌بس را شکسته و هم به یکی از متحدین دیرینه روسیه حمله کرده است. آیا روسیه به‌سادگی از کنار این واقعه خواهد گذشت؟

در توافق‌نامه آتش‌بس روسیه ضامن حفظ صلح در این منطقه بوده و در آن بحثی نیست اما آذربایجان در این مورد گفته که روسیه نتوانسته به تعهدی که داده عمل کند. دولت آذربایجان می‌گوید که در رفت و آمدهایی کانال‌های ارتباطی لاجین سلاح رد و بدل شده است و این نقض تمامیت ارضی آذربایجان است. در طرف دیگر، برخی مقام‌های دولت ارمنستان اتکای صرف ایروان به روسیه را خطای استراتژیک نامیده‌اند. شاید به همین دلیل اخیر ارمنستان با مشارکت آمریکا اقدام به برگزاری رزمایشی کرده که برای روسیه این اقدام ایروان غیردوستانه تلقی شده است.

جمهوری آذربایجان پس از ۳۰ سال روابط تیره و جنگ‌های خونین، اکنون در موقعیت برتری قرار گرفته و خواسته‌هایش را بر ارمنستان تحمیل کرده است. ارتش جمهوری آذربایجان که از ماه‌ها قبل با بستن و جلوگیری از ترانزیت کالا و مواد مخدر در گذرگاه لاجین مستقر شده بود، سرانجام توانست با تهاجم نظامی این منطقه را سریعاً تصرف کند. به این ترتیب، جمهوری آرتساخ که تنها دولت ارمنستان آن را به رسمیت شناخته بود، اکنون وجود واقعی ندارد.

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، در یک مانور سیاسی که در خدمت تقویت محور ترکیه در قفقاز جنوبی است، با علی‌اف در نخجوان دیدار و قدرت‌نمایی کرد.



با استقرار دوباره حاکمیت جمهوری آذربایجان در منطقه استپاناکرت (به ارمنی) یا خان‌کندی (به آذربایجانی)، و انحلال حکومت «آرتساخ» در قره‌باغ کوهستانی، بحث دالان زنگزور به بحث روز تبدیل شده است.

«زنگزور»، نام منطقه‌ای جغرافیایی در غرب جمهوری آذربایجان و شرق ارمنستان است، ولی نام آن به گذرگاه یا کریدوری گره خورده که پس از جنگ دوم قره‌باغ، جمهوری آذربایجان خواستار تأسیس آن است و قرار است دو بخش جدا افتاده خاک جمهوری آذربایجان را زمینی به هم وصل کند.

در توافق‌نامه آتش‌بس ۲۰۲۰ از دو گذرگاه سخن رفته است. گذرگاه اول قرار است منطقه‌ی ارمنی‌نشین استپاناکرت یا خان‌کندی را با خاک اصلی ارمنستان متصل کند. گذرگاه دوم میان نخجوان با خاک اصلی آذربایجان خواهد بود. هر دو گذرگاه قرار بود توسط نیروهای حافظ صلح روسیه نظارت شوند. در بخشی از بند ششم این توافق آمده است:

با توافق طرفین، در سه سال آینده یک برنامهٔ ساخت برای یک مسیر حرکت جدید در امتداد گذرگاه لاجین تعیین می‌شود، که ارتباط بین قرمباغ و ارمنستان را با انتقال مجدد نیروهای حفاظت از صلح روسیه برای محافظت از این مسیر فراهم می‌کند. جمهوری آذربایجان در طول گذرگاه لاجین ایمنی تردد شهروندان، وسایل نقلیه و کالاها را در هر دو جهت تضمین می‌کند. گذرگاه لاجین (۵ کیلومتر (عرض ۳/۱ مایل) که دسترسی از قرمباغ به ارمنستان را فراهم می‌کند، همچنان تحت کنترل نیروهای حافظ صلح فدراسیون روسیه است.

در بند نهم توافق‌نامه ولی از راه ارتباطی دیگری سخن رفته است که الهام علی‌اف گفته با خواست او در این متن گنجانده شده است:

کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حمل و نقل در منطقه بلامانع است. جمهوری ارمنستان ایمنی ارتباطات حمل و نقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به‌منظور سازماندهی حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین می‌کند. کنترل حمل و نقل توسط ارگان‌های سرویس مرزی روسیه انجام می‌شود. با توافق طرفین، ساخت زیرساخت‌های جدیدی که جمهوری خودمختار نخجوان را با مناطق آذربایجان پیوند می‌دهد، انجام می‌شود.

چنان‌که می‌بینیم در توافق ۲۰۲۰ مستقیماً به کریدور لاجین با اسم اشاره شده، حال آن‌که به صراحت اسمی از زنگزور نیامده، گرچه ارمنستان تعهد داده به دلایل اقتصادی و حمل و نقلی اجازه دهد که از خاک خودش راه ارتباطی میان خاک اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان برقرار شود. امروز ارتباط زمینی میان این مناطق جمهوری آذربایجان از طریق خاک استان آذربایجان شرقی ایران برقرار است و محموله‌های زمینی که از نخجوان به باکو و برعکس می‌روند مجبورند از کمرگ ایران عبور کنند. این نوعی امتیاز ترانزیتی به ایران می‌دهد و جمهوری آذربایجان را محتاج ایران کرده است. حالا دولت آذربایجان می‌خواهد از طریق گذرگاهی به اسم زنگزور، از داخل استان سیونیک در منتهی‌الیه جنوب ارمنستان، بدون این‌که مجبور شود از داخل ایران عبور کند، دو بخش جمهوری آذربایجان را به هم وصل کند.

در سال‌های اخیر جمهوری آذربایجان در بسیاری موارد به سمت رویکردهایی رفته که ایران را دور بزند، و کوشش برای استقلال‌گازی نخجوان از ایران و تامین آن از راه خط لوله ایغدیر-نخجوان در ترکیه از آخرین نمونه‌ها از این دست است، خصوصاً آن‌که دست‌کم دو دهه است گاز نخجوان از ایران تامین می‌شود.

در رسانه‌های ترکیه از چنان کریدوری به‌عنوان «پل ادغام کشورهای ترک» نام برده می‌شود. این معنای حداکثری است که ارمنستان و ایران شدیداً با آن مخالف هستند گرچه گروه‌هایی ملی‌گرا در ترکیه نیز شدیداً طرفدار آن هستند. ارمنستان معتقد است تمامیت ارضی و اصل حاکمیت این کشور بر سرزمین خویش با چنان مفهومی از کریدور زایل می‌شود.

ایران هم از این هراسناک است که تمام مرز شمالی‌اش با دنیای ترک محاصره شود. به بیان دیگر ایران از قوی شدن جمهوری آذربایجان و ادغام شدن بیشتر این کشور در ترکیه از طریق دالان مزبور می‌ترسد. رقابت تاریخی و قدیمی صفوی و عثمانی نیز میان ایران و ترکیه هست.

جمهوری اسلامی ایران، همچنین می‌تواند راه ارتباطی این کشور با شمال و روسیه، به تعبیر دیگر دالان جنوب-شمال (از بندر عباس تا روسیه که از قضا هندوستان هم در آن منافی دارد به شیوه مزبور مسدود شود). واقعیت آن است که چنان فرمولی اهمیت ترانزیتی ایران را در ارتباط بخش‌های جمهوری آذربایجان به هم از بین می‌برد. مجموع این ترس‌ها و ملاحظات ژئوپولیتیک در پس معنای جمله‌ای قرار دارند که متناوب این روها از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران می‌شنویم مبنی بر این‌که این کشور در مورد امنیت مرزهای خودش مسامحه نخواهد کرد.

برای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان، اما گذرگاه زنگزور، در کنار تقویت و بهبود مسیر کنونی از ایران (کریدور ارس)، بلامانع و مطلوب است. چندی قبل اخباری در مورد توافق میان ایران و آذربایجان برای کریدور ارس منتشر شد که براساس آن، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان توافق کرده‌اند «با احداث یک بزرگراه ۵۵ کیلومتری» منطقه زنگزور شرقی در جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان را از طریق یک بزرگراه عبوری از خاک آذربایجان شرقی متصل کنند.

از ایران گذشتن راه ارتباطی نخجوان با بقیه آذربایجان با توسعه و بهبود مسیر کنونی در ایران احتمالاً به نفع اقتصادی ایران خواهد بود، چون اهمیت ترانزیتی این منطقه را در قفقاز جنوبی حفظ خواهد کرد یا بالا خواهد برد. منتهی الهام علی‌اف به سبب بی‌اعتمادی شدیدی که به جمهوری اسلامی ایران دارد، و نخاصم ایدئولوژیک میان حکومت‌های دو کشور، مسیر ایران را بهترین نمی‌داند، و زمزمه‌هایی وجود دارد دال بر این‌که استفاده از مسیر زمینی مزبور در سال‌های اخیر کم شده است.

در سال‌های اخیر جمهوری آذربایجان در بسیاری موارد به سمت رویکردهایی رفته که ایران را دور بزند، و کوشش برای استقلال گازی نخجوان از ایران و تامین آن از راه خط لوله ایغدر-نخجوان در ترکیه از آخرین نمونه‌ها از این دست است، خصوصاً آن‌که دولت ترکیه هم در این امر دخیل است.

کوشش جمهوری آذربایجان برای ایجاد ارتباط همه‌جانبه با خصومت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران یعنی اسرائیل البته موضوع دیگری مرتبط با این بحث است.

جمهوری آذربایجان معتقد است که از مرزهای منطقه اشغالی قره‌باغ، به مدت سی سال میان جنگ اول و دوم قره‌باغ، برای انتقال مواد مخدر از ایران به اروپا استفاده می‌شد.

بنابراین، می‌توان حدس زد که این وضعیت، خواسته یا ناخواسته، تاسیس گذرگاه زنگزور در خاک ارمنستان، امکان‌پذیر است.

در چنین وضعیتی، رئیس‌جمهور ترکیه در روزهای اخیر پس از دیدار با الهام علی‌اف در نخجوان در دومین سفرش به این منطقه در سال‌های اخیر، در هواپیما در پاسخ به پرسش خبرنگارانی که از او در مورد دالان زنگزور پرسیدند به شکلی مبهم گفت اگر ارمنستان راضی نشود، راه ارتباطی باکو و نخجوان از ایران خواهد گذشت!

از سوی دولت ارمنستان، اعلام کرده بود که نخست‌وزیر ارمنستان با وجود عدم حضور الهام علی‌اف، برای مذاکره با اتحادیه اروپا به اسپانیا خواهد رفت.

اما رسانه دولتی جمهوری آذربایجان نیز اعلام کردند که «الهام علی‌اف» رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در نشست پنجم اکتبر (۱۳ مهر ماه) در شهر «گرانادا» اسپانیا با حضور «نیکول پاشینیان» نخست‌وزیر ارمنستان و روسای کشورهای فرانسه، آلمان و نمایندگانی از اتحادیه اروپا شرکت خواهد کرد.

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان تصمیم گرفته در مراسمی که با میانجی‌گری اتحادیه اروپا در اسپانیا برگزار می‌شود، شرکت نکند، جایی که او می‌توانست با نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان به دنبال تازه‌ترین تنش‌ها در قره‌باغ گفت‌وگو کند. دلیل عدم شرکت علی‌اف به دو دلیل اعلام شده: شرکت ندادن ترکیه در این نشست و حمایت فرانسه از ارمنستان.

در همین حال خبرگزاری اینترفکس روسیه به نقل از پاشینیان گفت که او نسبت به از دست دادن فرصت برای گفت‌وگو با علی‌اف ابراز تأسف کرده و گفته که آماده امضای آنچه سند «پیشرفت» در ارتباط با مذاکرات صلح دو کشور خوانده است، بود.

قرار بود نشست پنج‌جانبه با رهبران فرانسه، آلمان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و شارل میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا امروز پنجشنبه در گراندای اسپانیا برگزار شود اما علی‌اف گفته است در این نشست حاضر نمی‌شود. رهبران ارشد «جامعه سیاسی اروپا» که یک پلتفرم همکاری پان‌اروپایی است و توسط اتحادیه اروپا آغاز به کار کرده، روز پنجم اکتبر در شهر گراندای اسپانیا دیدار خواهند کرد.

سران کشورها و دولت‌های قاره اروپا در مورد مسائل استراتژیک با تمرکز ویژه بر مسائل امنیتی و جنگ در اوکراین گفت‌وگو کردند. چهل و هفت رهبر از جمله از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا، انگلیس، سوئیس و اوکراین به این نشست دعوت شده بودند.

این سومین نشست جامعه سیاسی اروپا خواهد بود که در اکتبر ۲۰۲۲ در پراگ پایتخت چک برای تقویت گفت‌وگو میان کشورهای اروپایی و تقویت امنیت، ثبات و رفاه راه‌اندازی شد. نشست اول در پراگ و دومین نشست ژوئن امسال در مولداوی برگزار شد.

در حاشیه این نشست، قرار بود مقامات اتحادیه اروپا مذاکرات پنج‌جانبه میان رهبران ارشد جمهوری آذربایجان، ارمنستان، آلمان، فرانسه و اتحادیه اروپا را برای میانجی‌گری در مناقشه جمهوری آذربایجان و ارمنستان برگزار کنند. امتناع علی‌اف از حضور در این نشست، بابت عدم دعوت از ترکیه و اظهارات مقامات فرانسوی در حمایت از ارمنستان است.

نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان، از امتناع الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان از دیدار در گراندای ابراز تأسف کرد و اعلام کرد که قرار بود در دیدار با وی «سند مهمی» را امضاء کند.

دیدار سران آذربایجان و ارمنستان در ۵ اکتبر ۲۰۲۳، در گراندای اسپانیا در چارچوب اجلاس سران اتحادیه سیاسی اروپا پیش‌بینی می‌شد.

نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان گفته بود: «قصدم دارد سند مهمی را با الهام علی‌اف در گراندای امضا کند. تا آخرین لحظه و حتی امروز سفر به گراندای را تایید کردیم. مایلیم متذکر شوم که ما بسیار سازنده و خوشبین بودیم. زیرا ما معتقد بودیم که فرصتی برای امضای سند پایدار وجود دارد. معلوم شد که جلسه برنامه‌ریزی شده برگزار نخواهد شد و تقصیر ما نیست. امیدواریم سند روی میز در زمان مناسب امضاء شود. من حاضریم این سند را امضا کنم. متأسفم که فردا نمی‌توانم چنین تصمیم مهمی را اعلام کنم.»

الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان در ماه ژوئن در چارچوب اجلاس سران اتحادیه سیاسی اروپا در مولداوی دیدار کرده بودند.

در ۲ اکتبر، الهام علی‌اف در یکی از دیدارهای خود گفته بود که امیدوار است نشستی که در گراندای برگزار می‌شود، انگیزه‌ای برای توسعه دستور کار صلح در منطقه ایجاد کند.

دولت آذربایجان تعداد افرادی که قرهباغ را ترک کرده‌اند را فاش نکرده است. اما ارمنستان می‌گوید ۱۲۰ هزار ارمنی در قرهباغ زندگی می‌کنند در حالی که آذربایجان می‌گوید ۵۰ هزار ارمنی در قرهباغ زندگی می‌کنند.

هیئت سازمان ملل مشاهده کرده است که تعداد کمی از مردم در شهر خانکندی باقی مانده‌اند و از مردمی که با آنها صحبت کرده‌اند شنیده‌اند که بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ ساکن ارمنی در قرهباغ باقی مانده‌اند. در بیانیه این هیئت آمده است که اعضای این ماموریت هیچ‌گونه آسیبی به زیرساخت‌های عمومی غیرنظامی از جمله بیمارستان‌ها، مدارس و ساختمان‌های مسکونی، بناهای فرهنگی و مذهبی در مکان‌هایی که بازدید کردند مشاهده نکردند و همچنین مشاهده کردند که دولت آذربایجان در حال آماده‌شدن برای بازگرداندن خدمات عمومی و بهداشتی در شهر است. ماموریت مشاهده کرد که هیچ مغازه‌ای در شهر خانکندی باز نیست.

در این بیانیه آمده است که با توجه به محدودیت اطلاعات و دسترسی به مناطق روستایی، هیچ اطلاعاتی در مورد دامداری و کشاورزی از جمله این‌که آیا کشاورزان در دسترس هستند و یا آماده کاشت گندم در فصل آینده هستند، وجود ندارد.

بر اساس مکالماتی که ماموریت سازمان ملل توانست انجام دهد، در این مرحله تعیین اینکه آیا جمعیت محلی قصد بازگشت دارند یا خیر دشوار است. در گزارش هیئت سازمان ملل، همچنین آمده است که ماموریت هیچ خودروی غیرنظامی در حال حرکت به سمت ارمنستان را در کریدور لاپین پیدا نکرد، اما اتوبوسی را مشاهده کرد که ده‌ها مسافر را به ارمنستان در شهر خانکندی حمل می‌کرد.



به این ترتیب از جنبه استراتژیک، تصور بی‌اطلاعی روسیه از اقدام و عملیات نظامی جمهوری آذربایجان در قرهباغ باور کردنی نیست. هرچند این دیدگاه وجود دارد که باکو از درگیری روسیه در جنگ اوکراین به‌عنوان فرصت برای پایان دادن به مناقشه پر هزینه قرهباغ استفاده کرده است، اما این‌گونه به‌منظر نمی‌آید و فرآیند تحولات نشان می‌دهد که دولت آذربایجان بدون اطلاع مسکو، دست به چنین اقدام بزرگ و دامنه‌داری نمی‌زند. پس ماهیت رفتار نظامی باکو و نوع نگرش روسیه و ترکیه به شرایط پدید آمده در قرهباغ را در رویکرد و جهت‌گیری‌های دیگری باید جست‌وجو کرد. زیرا، روسیه پیش‌تر به آذربایجان برای بازپس گرفتن مناطق تحت کنترل از ارمنستان، چراغ سبز نشان داده بود. ترکیه هم پشتیبانی همه‌جانبه جمهوری آذربایجان در مجموعه جنگ‌های قرهباغ بوده است.

«خبرگزاری فرانسه» در گزارشی نوشت، در شهرک‌های جمهوری آذربایجان مردم محلی پیروزی بر ارامنه در قرهباغ جشن گرفتند. شهروندان «باکو» پایتخت جمهوری آذربایجان بابرافراشتن پرچم روسیه و ترکیه سوار بر خودروها «پیروزی» در قرهباغ را جشن گرفتند.

هنوز مشخص نیست که ارمنستان تا چه اندازه برای اقامت ۱۲۰۰۰۰ مهاجر از قرهباغ کوهستانی آماده است. آن‌هایی که تاکنون از مرزها رد شده‌اند در اردوگاه‌های موقت پناهندگان در شهرهای مرزی «گوریس» و «کورنیوزور» اسکان داده شده‌اند.

آذربایجان و ارمنستان تاکنون دو بار باهم جنگیده‌اند و هرکدام متحمل تلفاتی قابل توجه شده‌اند. مذاکرات صلح بین باکو و ایروان نیز تاکنون نتیجه ملموسی نداشته است.

تکرار کوچ اجباری و آوارگی بیش از ۱۰۰ هزار نفری ارمنه قره‌باغ کوهستانی، به‌نوعی تداومی‌کننده تراژدی کشتار ارمنه در اواخر امپراتوری عثمانی است. نسل‌کشی حدود یک و نیم میلیون ارمنی در راستای تحقق اهداف ملی‌گرایانه «پان ترکیستی»، همچنان از سوی دولت ترکیه انکار می‌شود اما ارمنه جهان که همواره متأثر از تأثیرات و پیامدهای این فاجعه بوده‌اند، تمامی تلاش خود را وقف اثبات واقعیت تاریخی نسل‌کشی ارمنه و جلوگیری از تحریف تاریخ توسط دولت‌های متوالی ترکیه کرده و خواسته ارمنه همواره احقاق حقوق حقه خود و اجرای عدالت بوده و هست.

در سال ۱۹۱۵ میلادی برابر با ۱۲۹۴ شمسی در خلال جنگ جهانی اول و با فرصتی که جنگ فراهم آورده بود، امپراتوری عثمانی با برنامه‌ای از پیش تعیین شده در شب ۲۴ آوریل صدها تن از رهبران سیاسی و روشنفکران ارمنی را دستگیر و به قتل رساند.

بنابر برخی اقوال تاریخی، پس از آن در فاصله سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳ میلادی برابر با ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۲ شمسی، بیش از ۱/۵ میلیون ارمنی ساکن ارمنستان غربی بر پایه طرح و برنامه‌ریزی مسنجم سردمداران امپراتوری عثمانی و در اجرای سیاست نژادپرستانه حزب حاکم در آن زمان به‌نام «اتحاد و ترقی»، ملقب به «ترک‌های جوان» به قتل رسیدند. (تاریخچه ارمنستان، نوشته هرواند پاسترماجیان)

صدها هزار ارمنی با برنامه‌ریزی قبلی به بی‌رحمانه‌ترین شکل کشته یا تبعید شدند و باید گفت ارمنیان ارمنستان غربی در داخل سرزمین اجدادی خود قربانی اولین نسل‌کشی قرن بیستم هستند که به فجیع‌ترین شکل ممکن به‌وقوع پیوست. نسل‌کشی، جنایتی است که مستوجب مجازات طبق موازین حقوق بین‌الملل است که مختص به یک ملت خاص نیست و همه ملت‌ها و دولت‌ها موظفند تا از آن جلوگیری و با آن مبارزه نمایند.

با گذشت ۱۰۸ سال از نسل‌کشی ارمنه توسط امپراتوری عثمانی، این پرونده همچنان باز است و مختومه نشده است! دوشنبه هفدهم مهر - میزان - ۱۴۰۲ - نهم اکتوبر ۲۰۲۳

منابع:

برای آشنایی بیشتر با وقایع و تحولات قره‌باغ کوهستانی و مناقشه دولت‌ها در این منطقه، از جمله به منابع زیر مراجعه نمایید:

- *سیدعبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل (تهران: سمت، ۱۳۸۵).
- *سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: سمت، ۱۳۸۸).
- *سیدحسن سیف‌زاده، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی: مناسبات و کارآمدی (تهران: مرکز انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴).
- *کارن خانلری، «دو نگاه متفاوت ایران و ترکیه در قفقاز (راه‌های حل مناقشه قره‌باغ)»، دیپلماسی ایرانی (دوشنبه ۳ آذر ۱۳۹۳).
- *ادموند هرتزیک، ایران و حوزه شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵).
- *توحید نجف‌زاده، «متغیرهای موثر در روند شکل‌گیری و تطویل بحران قره‌باغ»، پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده روابط بین‌الملل (۱۳۷۵).
- *بیات، عیوض. سیاست خارجی روسیه و ترکیه در قبال مناقشه قره‌باغ. تهران: اندیشه نو، ۱۳۹۰.

- *دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- *سیف‌زاده، سیدحسن. نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی: مناسبات و کارآمدی. تهران: مرکز انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- *صدیق، میرابراهیم. روابط ایران با جمهوری‌های قفقاز از سال ۱۹۹۱ تاکنون. تهران: دادگستر، ۱۳۸۳.
- قائم‌پناه، صمد. «تضاد و همکاری روابط ایران و ترکیه بعد از جنگ سرد (۱۹۸۹ تا ۲۰۰۸)». مطالعات سیاسی، ش ۱۱، س ۳. بهار ۱۳۹۰.
- *قوام، سیدعبدالعلی. اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
- *واحدی، الیاس. «مناقشه قره‌باغ و امکان نقش‌آفرینی منطقه ایران، ایراس». تحولات ایران و اوراسیا. ۱۳۸۹.
- مسئله آرتساخ قراباغ (مجموعه مقالات)، به کوشش: ایساک یونانسیان، مشخصات نشر: تهران، نشر هزار کرمان، سال نشر: ۱۳۹۶.
- مروری بر کتاب نسل کشی ارمنیان، ریشه‌ها و پیامدها (۱۹۲۳-۱۹۱۵)، نام کتاب: نسل کشی ارمنیان، به کوشش: ایساک یونانسیان، مشخصات نشر: تهران، نشر ثالث، سال نشر: ۱۳۹۵.